

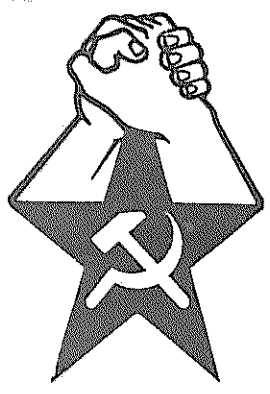
بیکار

۷۸

۲۲ صفحه

سال دوم - دوشنبه ۵ آبان ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

- در صفحات دیگر این شماره:
- اخباری از کردستان قهرمان صفحه ۵
 - در چین رویویز یونستی چه میگردد؟ (۲) صفحه ۱۲
 - مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۷) صفحه ۱۳
 - با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۹) صفحه ۶
 - پاسخ به نامه ها صفحه



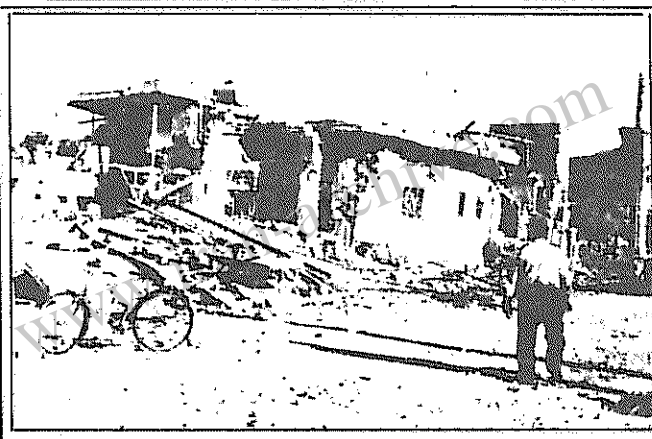
اطلاعیه وحدت با گروه انقلابیون آزادی طبقه کارگر

وحدت با رفقای انقلابیون آزادی طبقه کارگر از مدها پیش در دستور کار ما قرار داشت در ابتدا ما را مان تا توجه در خوری به امر وحدت بدست حاکمیت انحسار یافت راست بر زمان ما در این زمینه سزایات زیبا را خود را بر حای میگذاشت کم توجهی به مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش و از همین زاویه کم توجهی به امر وحدت با سایر گروهها و محافل درون جنبش کمونیستی صورت گوناگون این انحراف بود. بقیه در صفحه ۱۸

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

پاسخی به لاطائلات روزنامه اطلاعات

صفحه ۱۰



منتخبی از اخبار جنگ

صفحه ۱۷

جراهمه فرماندهان ارتش "حر" اند؟!

صفحه ۲۱

بیکار

اعلام ترک مناطق جنگ زده خوزستان توسط مردم هیست

روزی یونستی تلهای حزب توده

فدائیان خوزستان در جنگ چه میکنند

اجتاج جنگ در اهواز

تذکره ای

مؤلف: دکتر سید محمد باقر حسینی

مؤلف: دکتر سید محمد باقر حسینی

مؤلف: دکتر سید محمد باقر حسینی

مؤلف: دکتر سید محمد باقر حسینی

سرمقاله

پرچم لنینیسم را بر افراشته نگاه داریم

رفقا! در شرایط بسیار حاد و پیچیده ای سر میریم و مشکلات ما را از هر سو به مقابل ما میگذارد! در ایران علیرغم سختیها و دشواریها مبارزه را انقلاب همچنان به پیش می رود و جنبش سوسیالیست خلق که در شرایط اعتدالی لیکن آمیخته به توهم سر میرد، اوضاع انقلابی را نویسد میدهد، با بد توهم توده ها را فرو ریخت، این است یکی از موانع اساسی گسترش انقلاب! اما مشکل تنها توهم توده ها نیست، مشکل تثبیت و تفرقه وضع جنبش کمونیستی ایران نیز میباید تدویر واضح است که مشکلات جنبش ما رکیست... لنینیستی ایران از جمله در ارتباط با بحران جنبش کمونیستی بیس - المللی قابل توضیح است. بقیه در صفحه ۲

سفر رجائی به نیویورک

صفحه ۲۴

نگاهی به: جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویزیونیستها

صفحه ۱۱

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

پرچم

هم اکنون جنبش جهانی کمونیستی که بایکسر خونین و زخم آلود از ضربات رویزونیستهای مرتد خرونجفی و سه جانی درشتت و تفرقه بسمیرد دجا را انحرافات کوناگون است و در حال حاضر فاقد ستاد قوی و نیرومند کمونیستی و بسین - المللی میباش.

امروز در شرایطی که جنبش جهانی کمونیستی دجا رتفرقه، پراکندهگی، ضعف وی بی با یکی در توده ها و بی لایح طبقه کارگراست، انحرافات کوناگونی گلوگاه ما رکیست لنینیستهای جهانی را میفشرد. جلوه ای از این انحرافات در برخورد برخی از کمونیستهای جهان به وضعیت جنبش انقلابی ایران و ماهیت قدرت سیاسی حاکم نظر هر پیدا میکند. در اینجا روی سخن ما آشکارا با حزب کارآلبانی است که از جمله پرچمداران مبارزه ضد رویزونیستی است. این رفقا در برخورد به برخی از مسائل و از جمله در برخورد به مبارزات مردم ایران دجا را انحراف گشته و با "مترقی و ضد امپریالیست" خواندن رژیم ایران و حمایت از آن در قبال جنگ ارتجاعی کنونی، آشکارا به جنبش کمونیستی و انقلابی ایران لطمه میزنند!

اما رفقا مسئله بدینجا ختم نمیگردد. در داخل جامعه خودمان، رفیقان نتم راه یک بیک به ما رکیسم و انقلاب پشت کرده اند. چرا که حدت سیاسی مبارزه طبقاتی مجالی برای حفظ دوستیهای پیشین بدست نمیدهد و هر کس ناگزیر است راه خویش را انتخاب کند. تندبیجهای تاریخی، از مایشهای دشواری پیش پستی کمونیستها مینهد. که کمونیستهای پیگیر باید آن را از سر بگذرانند. یکی از تندبیجهای جامعه ما یعنی واقعه سفارت بتایج بسیاری را دربرداشت.

در پی آمدن تندبیج و در طی یک روند، بخش مهمی از سازمان چریکهای فدائی خلق به ورطه رویزونیسم خروشقی و اتحادیه کمونیستها به اپورتونیسم منط آلوده به گراشات عمیق سه جانی در غلطیدن! در این تندبیج تاریخی بعد از قیام، کمونیستهای پیگیر از آزما یستی سخت سربلند بیرون آمدند. دومین تندبیج پس از قیام، جنگ ایران و عراق بود. در این تندبیج اتحادیه کمونیستها به دفاع فعال از بورژوازی حاکم، دولت ارتجاعی موجود و جنگ نا عادلانه پرداخته و همصدا با بورژوازی به تعرض علیه انقلاب و نیروهای پیگیر دست میزند. و بدین ترتیب این نیرو به منجذب کامل اپورتونیسم در غلطید. در این تندبیج نیروهای نابیکسو متزلزل جنبش کمونیستی ایران انحرافات خود را تمعق بخشیدند. رفقای "راه کارگر" و رفقای "رزمندگان"، انحرافات رویزونیستی

خویش را تمعق نمود و دم بدم انحرافات راست روانه ایشان را شدت بخشیدند. و در این میان برخی دیگر از نیروها نیز دجا را انحرافات "دفاع - طلبا نه" کردندند.

رفقا! تندبیج سختی را با یاد از سر بگذرانیم! اگر در تندبیج واقعه سفارت، سازمان چریکهای فدائی (اکثریت امروز) خواهان طح و سازش با رژیم در کردستان گشته و به دفاع از مبارزه "ضد امپریالیستی" جناحی از هیات حاکمه برخاست و بالاخره سقوط نمود، در تندبیج جنگ ایران و عراق، نیروهای کمونیستی نابیکسو در سراز از چنین راهی قرار گرفته اند. اینان نیز در چنین شرایطی عمده نمودن مبارزه علیه ارتجاع داخلی را انحراف میدانند "دفاع از میهن"، "ملح در کردستان" نصیحت به هیات حاکمه فدا نقلابی که به سرکوب انقلابیون نپردا زد، توصیه به رژیم برای ملح نمودن توده ها و دست آخرفریاد آشکارا رفقای رزمندگان در دفاع از "گرا یشات ضد امپریالیستی" خرده بورژوازی حاکم، همسو و هم رنگ خطر را بنماد در میا ورد و نگرانی کمونیستهای پیگیر را افزون ترمی نماید.

رفقا! در غلطیدن به منجذب رویزونیسم و اپورتونیسم در جامعه ما با سرعتی شگرف صورت می پذیرد. اگر در قبال بعد از گذشت چندین سال در دوران ائت جنبش، در سال ۵۶ انشعب دارو دستر رویزونیست منشعب از چریکهای فدائوسی خلق تحقق یافت، اکنون کوران مبارزه طبقاتی بین از یکسال مجال نمانده که انشعب بزرگی را در درون این سازمان بوجود آورد و بخش مهمی از این سازمان را به دامان رویزونیسم در غلطاند! نگاهی به سیرا انحرافات وضعیت سا بر نیروهای جنبش انقلابی و کمونیستی نیز این حقیقت را بیش از پیش به نمایش میکذارد و نگرانی ما را بحق افزون میکند. اری، پشت نمودن به پرچم لنینیسم، سروشت محتوم همه آن جریا ناتی است که راه سازش با هیات حاکمه را در پیش میکیرند.

شرایطی که ما در آن سمر میریم به لحاظی همچون سالیان ۴۰ و ۵۰ قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اروپا است. بنیاد آوریم سالیان ۱۸۴۰ تا ۵۰ که آلمان در بحبوحه انقلاب بود اما جنبش چپ پراکنده و ضعیف بوده و انحرافات اپورتونیستی و بورژوازی موجود در آن بی شمار بود. در چنین هنگامی آموزگاران پرولتاریا ما رکن وانگلس، پرچم پرولتاریا را برافراشته نگاهداشتند و با مبارزه پیگیر، پیروزی پرولتاریا و حقانیت ما رکیسم را به اثبات رساندند. بنیاد آوریم دهه های اول قرن بیستم را که دوران سیادت کامل اپورتونیستها در جنبش کمونیستی جهانی بود و در روسیه بخش مهمی از جنبش چپ آلوده به اپورتونیسم بین الملل دوم

کودید. اما در همین زمان روسیه خلق ضعیف رنجیر امپریالیسم و سرزمین اشکال بود بلشویکها به رهبری رفیق لنین سر حمار کسیم را برافراشته نگاهداشتند و در شانسی جهان را به اشتراک در آوردند. لنین پرچم را یکسرا بدست گرفت دژا پورتونیسم و رویزونیسم را در هم کوپید و در راه انقلاب فاطما بدیسی رکت. ژبا لاکسره پرولتاریای روس در پرچم کسر لنینیسم، انقلاب اکسیرا به پیروزی در حان رسانید.

رفقا! ما سیر در شرایط محلی سمر میریم. ایران در اثنایا حین توفنده و او جکی رسنده توده ها سمر سرد، تندبیج حک ایران و عراقی خطوط درون جنبش کمونیستی را مشخص نموده و وجه سار فیقان نیمه راه دیگری را از ما دور سازد و در میان توده ها بدلیل توهم، سمدار ک انقلاب دشوار گشته است. لیکن آینده از آن ما است! از یکسوفلاکت جنگ و سدید ما لنینیست انقلابیون، توده ها را آکا هر حوا هد سمود و توده ها بیش از پیش بسوی لحظه ای که لوله تفنگ را به طرف ارتجاع خاکم نتا به کرفدا بدخواهد رفت و از سوی دیگر در صف جنبش کمونیستی سره ازنا سر جدا میگردد و در این میان رفیقان نیمه راه آشکارا ما هیت خویش را بر ملا سارند و صف کمونیستهای پیگیر فشرده سمر میگردد. آری این تندبیج بتایج بسیاری بسا رخا هدا و در دوما دیگر کمونیستهای پیگیر، به انکا مبارزه ایدئو - لوزیک با انحرافات جنبش کمونیستی و به اتکاء بیوندن با پرولتاریا و حتمکتان سمداد رزمنده پرولتاریا - حزب کمونیست ایران - را ستاد رک خوا هم دید، حزبی که پرچم ظفر نمونش لنینیسم است.

رفقا! شرایط دشواری است. در کوران تند بیج عظیمی قرا گرفته ایم. اما ما مضمم گشته ایم که در این تندبیجها نه تنها دجا رتزلزل نگردیم نه تنها از انقلاب دوری نجوشیم، بلکه همیشه و همواره به منافع انقلاب و طبقه کارگر بسیندیشیم و در این راه فاطما نه به پیش رویم، راه ساراه انقلاب است چرا که پرچم لنینیسم است.

رفقا! برای دفاع از منافع طبقه کارگر، برای دفاع از پاکیزگی مارکسیسم لنینیسم بر اساس خط اصولی سازمان در قبال جنگ و فعالانسه بکوشیم! انحرافات رویزونیستی بورژوازی در جنبش کمونیستی و انقلابی میهنمان را افشا کنیم و

پرچم ظفر نمون لنینیسم را برافراشته نگاه داریم! آینده از آن طبقه کارگر است. این حکم تاریخ است.



برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



حمایت کارگران "سپیدرود" از شوراپیشان

مدتی پیش مجمع عمومی کارگران بدعوت شورای کارخانه تشکیل می‌شود که علیرغم تهدیدات کارفرما (که کارگران را در صورت شرکت در مجمع به غیبت و جریمه تهدید کرده بود) حدود ۵۰۰ نفر در آن شرکت داشتند. فردای آن روز حسینی رئیس پاکسازی به همراه نماینده استان - داری وعده‌ای دیگر به کارخانه آمد و قصد صحبت با شورا را داشت که بعلمت با فشارهای نمایندگان شورا، مجبور می‌شود در حضور تمامی کارگران صحبت‌های خود را بکنند، ابتدا حسینی بعد از مقدمه چینی‌های زیاده‌مطلبه "پاکسازی" را مطرح می‌کند و به این بیانه که گویا در کارخانه به ما متوجه شده! (درست همانطور که ما و کمی‌های زمان شاه به بیانه توهین به "شخص اول مملکت" یکپرو و بیند راه می‌انداختند) در ایسن هنگامی که از نمایندگان شورا اجازه صحبت می‌خواهد دولتی از آنجایی که حسینی به او اجازه نداده و نوبت را به همپالکسی اش یعنی نماینده استان ندارد می‌دهد، کارگران اعتراض می‌کنند، که در جواب حسینی می‌گوید: "قایان حرفه‌های ضدا سلامی نزنید!" بدنبال این جریان کارگران متوجه می‌شوند که حسینی قصد توطئه چینی و نفاق - افکنی در صفوف کارگران را دارد، لذا همگی محکم و یکصد شورا می‌دهند: "شورای انتخابی موردتأیید ما است" و حسینی که می‌بیند توطئه - هایش نقش بر آب شده، دهنش را روی کولت گذاشته می‌رود!

زننده با آگاهی و اتحاد کارگران! بنقل از نشریه شماره ۵ بیک جوکا

گزارشی از انعکاس جنگ ایران و عراق در يك کارخانه

رژیم از آن بیشتر بی‌خوابی خواهد برد. رژیم میکوشد تا با تشدید استعمار کارگران خسارات این جنگ را جبران کند و سوره‌های خود و سرمایه‌داران را مانند گذشته تا مین کند.

انجمن اسلامی، گروه‌های بسیج را که حدود ۶۰ الی ۷۰ نفر در شب به پاسداری و تعلیمات نظامی و ایدئولوژیک وادار می‌کنند، حدود ۱۰ نفر از کارگران منفضی خدمت سال ۵۶ به خدمت اعزام شده‌اند، که بعضی از آنها با ترس و بی‌انگیزگی به جبهه رفتند و در کلاً ۳۰ نفر منقضی خدمت ۵۶ و ۲۰ نفر از گروه‌های بسیج به جبهه اعزام شده‌اند که همین موضوع کاربینه کارگران راستگین ترشوده است.

مسئله‌های موشی شب و اثرات آن یکی دیگر از عوارض جنگ است. ما موشی در این کارخانه باعث شده که یکی از کارگران به زیرماشین رفته و کشته شود، که چند نفر از اقوام و دوستان کارگران نیز بهمین ترتیب دچار مرگ و یا حادثه شده‌اند. از جمله تا شیرات دیگر کارخانه موشی ضعیف شدن اعصاب کارگران است. اگر جنگ شدت یابد فضا زندگی بر کارگران بیشتر می‌شود و حتماً بر علیه این جنگ مبارزه خواهند کرد.

عده‌ای از کارگران که در ابتدا تحت تاثیر تبلیغات "میهن پرستانه" و "دفاع از میهن" از رفتن به جبهه وحشت دفاع می‌کردند، بعد از بمبارانهای با سیدات بعضی و غیره نسبت به آینده بحالت شک و تردید استاده و مثلاً مطرح می‌کنند که "ما چند سال عقب افتادیم حالا چقدر طول خواهد کشید که جبران این خسارات را بکنیم" البته فالانوها و کسانی دیگر که از لحاظ مسادی وضع تشبیه شده‌ری دارند، هنوز به پیوسته روزی اسلام و سرنگونی صدام معتقدند، انجمن اسلامی که بنصوبت شورای کارخانه او را ریز کردن چند روز حقوق را بحساب ۷۷۷۷۷۷۷۷ تبلیغ می‌کنند و در ابتدا توانسته بودند یکروز حقوق را از همه کارکنان به این منظور بگیرند، بعد از مطرح کردنده کسی حاضر است حقوق روزهای بیشتری را بدهد که در این مورد نتواند از بیادای بین ۲ تا ۳ روز حقوق خود را بر ماه مهر منظور نمودند، بیشتر کارگران تمایلات "دفاع طلبانه" دارند، یعنی وقتیکه از جنگ کارگر پرسید که اگر زمان شاه بود او این جنگ بوجود می‌آید یا به جبهه می‌رفتیم؟ همگی می‌کنندند بله، در رابطه با شرایط جنگ طرح مسائل صنفی دشوار است، که چه قبل از جنگ حق تولید سودی و غیره مطرح بود اما اکنون اگر از طرف کسی این مسائل مطرح شود، فالانوها و سرپرستان با برخ کشیدن جنگ و اینکه "برادران مادر جبهه کشته می‌شوند و شما دنباله حقوقتان هستید" عکس العمل نشان می‌دهند، در همین رابطه تا حدود زیادی کارگران به این قضیه که جنگ سرپوشی است برای مخفی نگه داشتن فشارها پس برده‌اند در حال حاضر با سوءاستفاده از جنگ فشار کار زیاد شده است، بطوریکه شورا و سرپرستان کم‌کاری و اعتراضات دیگر را حرکت ضدا انقلابی میدانند پس از بمباران کارخانه و به علت کمبود مواد، تولیدش با شین آمده به همین خاطر کار کارخانه که سه شفته بود و شیفته شده، البته قبلاً گفته بودند هر شیفته از کارگران ۲ روز در هفته را ۱۲ ساعت کار کنند، که کارگران از این قضیه دلخور شده‌اند (سرپرستان کار هر چه بیشتر را تبلیغ می‌کنند) و اگر دو شیفته بصورت رسمی اعلام شود کارگران به ما هیت جنگ و سوءاستفاده

با اخراج کارگران به مقابله برخیزیم!

در صورت تعطیل کارخانه، کارگران باید حقوق کاملشان را دریافت کنند

موزیانه کارگران را از شیخ اخراج می‌ترسانند و از آن بعنوان چماق سرکوب استفاده می‌کنند، کارگران مبارز!

شما در این شرایط تنها با تشکیل شورا‌های واقعی کارگری که میتواند از اخراج کارگران و سایر مسائل جنگ جلوگیری کنید، شورای کارخانه در این شرایط باید حقوق اخراج کارگران را از کارفرما بیاورد و گرفته و آن را در اختیار خود بگیرد کارگران در صورت تعطیل کارخانه با یده حقوق کامل خویش را دریافت کنند.

توده‌های زحمتکش که در بوجود آمدن این جنگ هیچگونه نقشی نداشته‌اند، بیشتر بی‌بختیها و فلاکت‌های ناشی از جنگ را بدوش می‌کشند، از جمله مما شب جنگ اخراج کارگران و تعطیل کارخانه‌ها میباید شد.

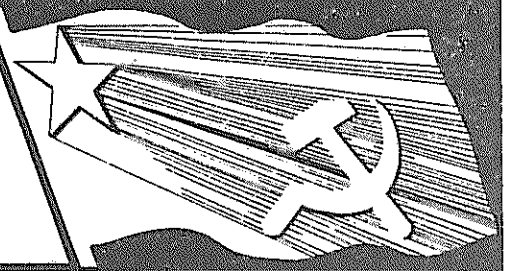
سرمایه‌داران و رژیم بدلیل کمبود و مواد اولیه از جنوب از آنجا که نمی‌خواهند حتی چند روز هم که شده سود نبرند و با کم‌تر سود بپردازند، فوراً دست به اخراج کارگران و تعطیل کارخانه می‌زنند، در سایر کارخانه‌ها نیز کارفرمایان

پیش‌بسیوی تشکیل شورا‌های واقعی کارگری

نفرات شماره ۹۲

پیش‌بسیوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌ای



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۲)

الف - قوانین تبلیغ

در شماره قبل به تعریفی مقدماتی از تبلیغ پرداختیم. از این شماره بررسی قوانینی که تبلیغ باید بر آن متکی باشد می‌پردازیم.

۱- شناخت "غرایز طبقاتی"

و احساسات متغیر توده‌ها (نبض توده‌ها را در دست داشتن)

شاید تعجب کنید چرا ما از "غرایز طبقاتی" سخن می‌گوییم. مگر نه اینست که خلق و خوی توده‌ها را شرایط اقتصادی اجتماعی زندگی تعیین می‌کند؟ این درست است، اما برای این گفته درست است یا بد؟ فردی که بر اثر شرایط اقتصادی و اجتماعی در سینه‌ها بوجود آمده است، زحماتش در ارتباط با شرایط اقتصادی زندگی‌اش، در شرایط خاصی شده‌اند. مثلاً دهقانان به علت قریب‌کارچاری هم دچار کمبود فردگرایی خاصی هستند و با خوردن بورژوازی دارای تنگ نظری و محدودنگری ویژه‌ای است که محصول وضعیت او در ارتباط با تولید است. با طبقه‌کارگر خلق و خوی جمع‌گرایی دارد و... در این رابطه لنین غرایز مثبت و منفی طبقاتی توده‌ها را چنین دسته‌بندی می‌کند:

- ۱- حالت رکود انسانها، تسلیم‌پذیری، فقر و فقدان حقوق و عادت به دستم.
 - ۲- اعتراض، خشم و بازشایی و پلنگان علیه سرچشمه بلا و نطفه فقر، ولی نه طغیان و اعتراض و خشمی که توسط ثوری اجتماعی آموزش پیدا کرده و روشن شده باشد. (۱)
- ما این نظرسنجی را در زندگی اجتماعی خود بخودی تجربه کرده‌ایم. مثلاً سال ۱۳۵۰ را در نظر بگیرید. اگر جلوی عده‌ای از کارگران، شعار مرگ بر شاه را طرح می‌کردیم، با ترس و لرزش به اطراف خود نگاه می‌کردند و بی احتیاطی ما را سرزنش می‌کردند. مبارزات توده‌ها آنگاه و آنهم عمدتاً در چهارچوب مبارزات اقتصادی بود. چه بسا اعتصابات در برخی کارخانجات برگزار می‌شد که اعتصاب کنندگان عکس‌شاه‌ها را در جلوی نظرها ت خود حمل می‌کردند، اما حال سال ۱۳۵۲ را در نظر بگیرید. همان توده‌های سال ۱۳۵۰ که از شنیدن شعار مرگ بر شاه می‌ترسیدند و مایل به بحثهای سیاسی "خطرناک" نبودند،

چگونه درخیا با سینه خود را جلوی تانکهای سر می‌کردند و شعار "نه استک زنجیری آمریکا" می‌آنها رژیم مزدور را می‌لرزاند. ما توده‌ها را هم در حالت تسلیم و هم در حالت طغیان دندنام.

هر زمان بشناسد، مبلغ با یستی این نکته را دریابد که آیا توده‌ها بیشتر در حالت رکود هستند؟ یا آرام آرام خشم و اعتراض توده‌ها سرریز می‌کند؟ دوران رکود است؟ اعتلا انقلابی است و یا موقعیت انقلابی؟ هرچه توده‌ها از روحیه رکود و تسلیم دور می‌شوند و آتش فشانان خشمشان شروع به طغیان می‌کند، تبلیغ اشکال نوین تربیت می‌کند. در دورانهای رکود باید توده‌ها نرم - نرم، صبورانه ترو را مترسخن گفت و با تشریح مسائل جاری و ملموس، خشم و نفرتشان را با برانگیختن، در حالیکه با حرکت توده‌ها بسوی دورانهای انقلابی می‌توان تندتر، آتشین‌تر و برتر تر توده‌ها صحبت کرد. آنچه را که در دوره‌های رکود سستی و به آرامی باید تبلیغ می‌شد اکنون با تندترین الفاظ و اشکال می‌توان تبلیغ کرد. بدین ترتیب باید همواره تبلیغ توده‌ها را درست داشت و دانست که توده‌ها

ما باید توجه داشته باشیم که چه بسیار تجربیات توده‌ها که اکنون کهنه می‌ارزند و چه احساساتی که ناپسند و مخالف مصالح انقلابند، اما اگر ما اهمیت عظیم بحساب آوردن این خلق و خوی توده‌ها را در امر گرانقدر تبلیغ نشناسیم، مبلغین خوبی نخواهیم بود.

در تبلیغ ما وظیفه داریم، برای آگاه کردن توده‌ها برای به هدایت در آوردن غرایز طبقاتی توده‌ها و بیدار ساختن احساسات انقلابی آنها، روحیات توده‌ها را در هر زمان مشخص بشناسیم و در امر تبلیغ بحساب آوریم

تبلیغ باید این قانونمندی غرایز طبقاتی را بشناسد و در فعالیت خود آنرا بحساب آورد. مثلاً تبلیغ ضرورت سرنگونی شاه و پادشاهی رژیم شاه، به آمریکا هم در سال ۵۰ و هم در سال ۵۲ با یستی انجام گیرد، اما طبیعی است در سال ۵۲ توده‌ها براهتی به تظاهرات مرگ بر شاه می‌پیوندند، در حالیکه این تبلیغ با یستی در سال ۵۰ با توجه به روحیات توده‌ها در آن زمان، اشکال حالات و ویژه‌گیهای مناسب خود را پیدا کند.

بدین ترتیب تمامی میان غرایز طبقاتی توده‌ها وجود دارد (تضاد میان روحیه رکود و تسلیم و خشم و اعتراض) تبلیغ با یستی بگونه‌ای بشناسد و تضاد روحیه خشم و وطنیای توده‌ها حل شود و از طرف دیگر این روحیه خشم و اعتراض توده‌ها از حالت خود بخودی که می‌توانند حتی در خدمت سرمایه‌داری نیز در برابر بیخارج شده و آگاهانه عمل کنند. پس با یستی تبلیغ از یک طرف آن نفرت فروخته زحمتکشان را از استعمارگران و آن شور و خشم انباشته شده از ستم‌شماران طی سالها رنج و استعمار را در توده‌ها بیدار کند. آن روحیه تسلیم و رکود که ناشی از قریب‌کارچوب ظلم و جهل توده‌هاست را درهم کوبد و بجای آن برخشم آتشین توده‌ها نسبت به ستمگری بدمدواز طرف دیگر تبلیغ با یستی این خشم و اعتراض خود-بخودی توده‌ها را با آگاهی کمونیستی درهم بیا می‌زد و آن را مانند رودی خروشان در کانال درهم کوبیدن سرمایه‌داری هدایت کند.

گذشته از آن غرایز طبقاتی که محصول قرنها ستم‌طبقاتی است، تجربیات مشخص توده‌ها نیز بر احساسات آنها تا ثیر می‌گذرد. تجربه زندگی توده‌ها، اشکال مبارزاتی، نوع رهبری و... سابق توده‌ها بر روی خلق و خوی آنها تا ثیر بسیار دارد. فی‌المثل توده‌ها شیکه یک قیام را پشت سر گذاشته‌اند، برای قیام مجدد ما دگی بیشتری دارند و با تجربه مبارزات توده‌ها تحت رهبری آیت‌الله خمینی بر علیه شاه‌ها شن منشا احساسات متهم‌کنونی توده‌ها نسبت به وی پس از سرنگونی شاه است. بسیاری هنوز فکر می‌کنند و همسنگرانهاست! بدین ترتیب تبلیغ شما سرنگونی دولتها و فدا خلقی که توده‌ها هیچ بقیه در صفحه ۷

خلق ها و مسئله ملی



"آدینان" یورش برده و حدود ۱۵ نفر از مردم زحمتکش روستا را بگروگان گرفتند. رژیم جمهوری اسلامی، با گروگانگیری مردم بی دفاع بدست مزدوران خود، تنها ناشوانی خود را در مقابل جنبش مقاومت خلق کرد نشان میدهد. چندی پیش نیز مزدوران رژیم عده ای از اهالی "کاسیاب" و "ماحب" را نیربه گروگان گرفتند که تا بحال در بدترین شرایط بهداشتی و غذایی در بستانداشتگاهها دکان بسر میبرند.

سنندج

اختناق جمهوری اسلامی!

با سداران و جانشینان اهالی حماسه آفرین شهر سنندج را زیر فشار و خفقان قرار داده اند. آنها به این بهانه که پیشمرگان در خانه های مردم بسر میبرند به خانه ها حمله میکنند، محلات را کنترل کرده و شبانه روز به نگهبانی و کنترل رهگذاران در خیابانها می پردازند.

اهالی محلات اطراف یادگان تحت فشار مزدوران جمهوری اسلامی خانه های خود را تخلیه کرده اند. مزدوران رژیم میخواهند با چند دورسیم خاردار و مین گذاری اطراف یادگان، یادگان را از محلات پیشمرگان رزمنده در آن نگاهدارند. جاده سنندج - کرمانشاه نیز تحت کنترل شدید مزدور ضد خلق میباشند. با سداران و جانشینان و ماسوهای و شینهای را که از سنندج خارج میشوند تا فاصله ۴۰ کیلومتری از شهر بیش از ۴ بار مورد بازرسی و تفهیش قرار میدهند. آنها علاوه بر بازرسی بدنی مسافران و وسایل آنها را نیز بدقت بازرسی میکنند.

اروید

مزدوران شاه، چاق سرکوب جمهوری اسلامی

سرهنگ تاج الدینی عامل کشتار بیا زده تن از مردم سردشت در تظاهرات قبیل از قیام کمپس از قیام توسط مردم دستگیر و به کمیته تحویل داده شده بود اکنون آزاد شده و به فرماندهی ژاندارمری ارومیه منصوب شده است. تعجبی ندارد اگر رژیم حاکم مزدوران شاه را به چاق سرکوب خود تبدیل کرده و میکوشد مبارزات خلقها را خفه کند، زیرا خدا انقلاب ضد انقلاب است حال مزدوران شاهها شدند و مزدوران جمهوری اسلامی. ایمن طبیعی است که آنها ن علیه انقلاب متحد یکدیگر باشند



اخباری از جنبش مقاومت خلق کرد

تکاب ۵۹/۷/۱۲

گروگانگیری زحمتکشان روستای مائین بولاغ

در حمله قهرمانانه پیشمرگان دمکرات به ستونی که برای باصلاح یا کمازی از تکاب به روستای "مائین بولاغ" رفته بود، نظامی کشته و ۲ نفر از سداران زخمی شدند. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، به تلافی این حمله، ۲ نفر از اهالی بی دفاع محل را بگروگان گرفته و بعد از انتقال به تکاب، آنها را اعدام کردند. در این درگیریها ۲ ربوی ارتشی بدست پیشمرگان منهدم شدند.

تکاب ۵۹/۷/۱۳

گارت روستایان بی دفاع

در این روزها سداران چهل و سرما به بیه روستای "قرقبا" حمله کردند. آنها مقصدار زیاد از محصولات علوفه ای روستایان را به آتش کشیدند و ضمن ویران کردن حدود ۲۰ خانه، عده ای از اهالی روستا را بگروگان گرفته و بسا خود بردند.

علی آباد، افسار ۵۹/۷/۱۸

برگزاری مراسم گرامی داشت پیشمرگه شهید "عطا" الله براننده

زحمتکشان روستای افسار و روستای منطقه مراسم گرامی داشت رفیق شهید "عطا" الله براننده "پیشمرگه دلیرا زمان بیکا را برگزار کردند. در این مراسم عده ای از پیشمرگان سازمان بیکا با حضور خود در مراسم سوختن آتش در باره رفیق شهید "عطا" و اقامه مراسم و با رد بگروگان انقلابی خود با خلق زحمتکش کرد را تجدید کردند.

سقز ۵۹/۷/۱۹

تروپتهای رژیم در سقز

در این روز، یکی از جاشهای منفور، بقصد دستگیری یکی از جوانان شهر، به آواست داد اما جوان مذکور بدون توجه میخواست محل را ترک کند. در این حین، جاش منفور شروع به تیراندازی کرد که در نتیجه آن دو نفر از عابرین زخمی شدند. مردم زخمیها را بلافاصله به بیمارستان سقز انتقال دادند.

سنندج ۵۹/۷/۲۰

اختناق پاسداران در محله آغا زمان

بدنبال کشته شدن ۲ تن از مزدوران منفور رژیم در محله "آغا زمان"، جانشینان سداران، آب و برق این محله را قطع کرده و از دادن آذوقه به اهالی خودداری نمودند. آنها میگفتند که اهالی محله مذکور، امکانات ورود پیشمرگان را به شهر فراموش میکنند. ارتجاع فکر میکنند تحت فشار قرار دادن توده های زحمتکش میتواند حمایت آنها را از پیشمرگان رزمنده سلب نماید

مهاباد ۵۹/۷/۲۱

هجوم وحشیانه به شهر

مردم قهرمان مهاباد، یک جاش را در مقابل فرمانداری و دریا سدار در مقابل بانک ملی بهلاکت رسانیدند. بعد از این واقعه، نظامیان مستقر در اطراف، شهر را با وحشیگری هر چه تمامتر به توپ و خمپاره بسته و اعلام کردند که هیچکس حق خروج از شهر ندارد.

سقز ۵۹/۷/۲۱

مزدوران رژیم در کمین پیشمرگان قهرمان

پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومت خلق کرد، در مسیر جاده سقز - سنندج در روستای "آدینان" عده ای از نیروهای ضد خلق را به کمین انداخته و آنها را بدون هیچ مقاومتی دستگیر نمودند. روز بعد، نیروهای سرکوبگر به تلافی این عمل قهرمانانه پیشمرگان، به روستای

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

خطرات يك سرباز (۹)

بهار زيباي كردستان

۱۷ اردیبهشت : ساعت ۱۲/۴۵ ظهر

امروز جنب و جوش زیبا دثری در میدان به چشم میخورد. هلیکوپترها از بی هم به پرواز در میآیند و در این حال هلیکوپتر تیر خورده است که پشت سر هم بر زمین می نشینند. از صبح تا حالا دو هلیکوپتر از کار افتاده است. خلبانها خبر می آورند که ۱۸ نفر از سربازان گروهانی که روز قبل به با نرفته بود، گروگان گرفته شده اند و خیلی ها کشته و یا زخمی شده اند اما تپه ها شخیرنا پذیرند یکی از خلبانها از رفتن به با ن سر بیچی کرد. وضع در هم و بر هم است. زمزمه ای وجود دارد که میباید قلعه را بحباران کرد! پیشمرگه ها جانانها می جنگند و میباران تنها را می است که برای ارتش و پاسداران باقی میماند. استفاده از کشته ترین ابزارها برای سرکوب خلتی که شجاعانه می جنگند. کشتار، کشتار! اما با زهم موفق نیستند. پشت سر هم سرباز زخمی می آورند گوشت دم توپ زیبا است. زحمتکشانی که میتوان به آجباری "آوردنشان" اما روزی خواهد رسید که زحمتکشان در مقابل اجبارها می ایستند. آنگاه خود ارتشی خواهند شد و نیرومند. ارتشی که پشت سر ما به داران را به لرزه می اندازد.

ساعت ۲ بعد از ظهر

فرمانده پاسداران، ابوسریف به پاسداران سقز آمده است. اول لحظاتی قبل برای پاسداران سخنرانی کردند تنها توانستم که پاسان سخنرانی اش را بشنوم. او میگفت: اگر منطقه را بگیریم، دیگر نرسه هیئت حسن نیت می شناسیم و نه هیئت مذاکره کردستان را زیر نظر خود می گیریم به ارتشش اعتمادمی کنیم خود با قاطعیت اینجای خلع سلاح میکنیم!

جالب است ارتش و پاسداران با همه رقابت ها و عدم اطمینان تنهایی که به هم دارند در کشتار و سرکوب خلق کرد با هم همتگی دارند و وحدتشان برقرار است! اکنون هم فرماندهان ارتش و هم فرماندهان سپاه پاسداران طرفدار شدت عمل در کردستان هستند یعنی ادامه کشتار، یعنی شدت یافتن سرکوب! شنیدن حرفهای فرمانده پاسداران، احساسات نامطبوعی در قلبم ایجاد میکنند. از فکر اینکه فردا یا روزی دیگر در راه این هدفهای شوم خواهم مرد، فشار بیشتر و بیشتری در قلبم حس می کنم. نگران و مضطربم. دندان دردمان فاش شده و کلافه ام کرده است.

۱۸ اردیبهشت

فرمانده به فکر افتاد که با آموزش ارتش را آماده تر کند. آماده برای کشتار مردم! امروز

با چشم باز در افق خونین کردستان



از صبح تا ظهر آموزش رزمی و انفرادی می دیدیم بعد از ظهر با یکی از بچه های این پادگان صحبت کردم. از خلال صحبتها پیش اوضاع سقز را دریا فتم پیش از ورود ما و در واقع در همان زمان که در سقز جنگ درگیر بود. در اینجا هم درگیری شدید بوده است. از ارتشی ها بیش از ۴ نفر در این درگیری کشته شده اند از آن سونیز تلفات زیاد است مردم بسیار حمانه کشتار شده اند. اجساد در شهر انباشته شده و بیوی تنگن شهر را فرا گرفته است یورش آنچنان بوده که اکنون دیگر خانه ای سالم باقی نمانده است. باقی مردم خانه و کاشانه اشان را ترک نموده و کوچ کرده اند. بهتر بگویم، آواره شده اند. در شهر حتی یک نفر هم نیست. اکنون شهر در دست ارتش و پاسداران است! شهر که نه، درو- دیوار و شهر!

چه فتوحات سرافرازانه ای میکنند نیرو - های مسلح جمهوری اسلامی! می کشند، غارت می کنند، خلق را آواره میکنند و آسمش را میگذارند: جها د در راه خدا! چقدر نفرت انگیز است که از اعتقادات و مذهب مردم اینطور سوء استفاده میشود

۱۹ اردیبهشت

بیشتر ساعتان به شما شای پرواز هلیکوپتر - ها میگردد. امروز بعد از ظهر تعداد هلیکوپترها افزایش یافته است. ارتش و پاسداران در زمین نمیتوانند جنگ را به پیش ببرند و سقز ده از نیروی هوایی هر چه بیشتر در دستور قرار میگیرد پیشمرگه در خاکش، عاشقانه می جنگد و راه پیشروی اینان را سد میکند. سپس از هوا برآید و بر مردم زحمتکش کردستان، آتش میبارد و دندانها بد زانویشان درآوردند.

دیشب بین افراد دبختی در گرفته بود. چند نفر از سربازان عقیده داشتند که کردستان را باید از نو شخم زد و تمام آن را با خاک یکسان کرد! سرباز حرف میزد و نوشته مردم کم کرد را لای چرخهای تانکش نمی دید که با خاک شخم می خورند، لسه میشوند، کشته می شوند و آواره میگردند. آری او اینها را نمی دید. زیرا مغزش را با دروغهایی از قبیل "جنگ با کفار" و... پر کرده و بجای آن این افکار فساد ناسانی را در آن کاشته اند. بدتر از همه این است که مخالفت کردن با این حرفها نیز مشکل است به محض مخالفت یک مارک "کمونیست" و "منافق" بر روی شخص می چسباند و کارش تمام است. به درجه داری که بخاطر حرفها بیم سرا "کمونیست" می شای می گفتیم: "ما با ایدانقلابیما ن را ادا می دهیم و آن را به پیروزی برسانیم. نه آنکه دهانمان را ببندیم و حقایق را نگوئیم." آبا میرویم میخ آهنینی در سنگ؟!

(ادا ممدارد)

این سطور است از شعر "از یاقا به کردستان" که آن را شاعر شهید عراقی احمد ابونضال معروف به "روشن در باره کردستان عراق سروده است. او بدست جلاان بعثی پس از شکنجه های سخت در زندان به شهادت رسید. شعرا را زدیوان او بنام "بازگشت پیروزمندان پرنده بلشویک" سرزیده و ترجمه کرده ایم:

از یاقا به کردستان (۱)

ایست! ای کشتی های سکوت و سازش، اینک میهنی را یکبار چه بخون میکنند. و آنگاه که صحرای گسترده بین کردستان و فلسطین ایندو را بهم می پیوندند به مسیحی و اجدیمیا نده که بر صلیب اش کشیده اند بشکنید این جا میهای سبز را ای خوابزدگان!

و ازینا هگا های غار ما نندتانی بدر آید!

گوش کنید: اینک خمیا راهی

در شیطیه (۲) منفجر شد

که نیمه دیگرش را در "زوزک" (۳) یافتند

ویمی بشکل اسباب بازی

کوئکی فلسطینی را کشت

اما کوئک کردستانی به آن دست نزد

زیبیرا

ده سال است که با آن آشناست.

زیتونهای کردستان از لایلاب دیوار سرنیزه ها

سربخواهد آورد

و خویش را در طبقی ساخته از

بال "پزندگان مرگ"

به شما تقدیم خواهد کرد

.....

(۱) - "یاقا" شهری در فلسطین اشغالی است.

(۲) - شهری در جنوب لبنان که همواره در معرض حمله صهیونیستهاست.

(۳) - "زوزک" در کردستان عراق که بارها مورد بمباران قرار گرفته است.

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ ...

اقدام مشبئی از آنها بخاطر ندرت بسیار رسیده -
تراز هئیت حاکمه های فدا خلقی است که قبلاً
انقلابی بوده و استحاله ایافته اند و با تبلیغ
ارتداد در روزیونیم حزب توده با تبلیغ ارتداد
فدائیان (اکثریت) در میان هواداران نشان که
سابقه انقلابی فدائیان (اکثریت) (قبیل از
تبدیل شدن به عامل بورژوازی) در ذهنشان وجود
دارد، تفاوتها و پیچیدگی های دارد.

لنین در هنگام مبارزه با "چپ رو" های
انترناسیونال دوم، در بحث مربوط به لزوم
تبلیغ مواضع کمونیستی حتی در پارلمانهای
ارتجاعی از طریق شرکت در آنها میگفت:
"تصور نشود آنچه برای ما کهنه شده است،
برای طبقه، برای توده ها هم کهنه شده
است." (۲)

لنین تجربیات توده ها را بحساب می آورد و
به این خاطر حتی به کمونیستها توصیه میکرد که
در اتحادیه های زرد نیز شرکت کنند، استالین
چیزی میگفت:

"ما باید توجه داشته باشیم که چه بسیار
تجربیات توده ها که اکنون کهنه و بی
ارزشند و چه احساساتی که نا پسند و مخالف
ممالج انقلابند، اما اگر ما اهمیت عظیم
بحساب آوردن این خلق و خوی توده ها را در
امرگرا نقدر تبلیغ شناسیم، تبلیغ
خوبی نخواهیم بود."

انحرافات روزیونیستی و آثار ریشیستی در مورد شناخت نقش احساسات توده ها در تبلیغ

روزیونیستها طبیعی است که نمیخواهند
خشم و اعتراض توده ها، آگاهانها نه بر فساد سرمایه
داران وطنیان کند، آنها میکوشند همچون دیگر
طبقات استعمارگر، بر غرایزنا پسند توده ها
(رکود و تسلیم و ...) سوار شوند، آنها در مقابل
این غرایز سجده میکنند و وطنیان توده ها می
فرستند و میکوشند مانع آن شوند، حتی زمانی که
خشم توده ها خود بخود وطنیان میکند و کمونیست
ها موظفند در غین حال که این خشم و وطنیان
خود بخودی را تحسین و تائید میکنند، آنرا بسا
آگاهی بسیار میزند، این دشمنان سرخسست
کمونیسم میکوشند آب سردی بر روی احساسات
انقلابی توده ها بریزند، آنها روحیه ترس و زبونی
و اطاعت از بورژوازی را تبلیغ میکنند، بخاطر
داریم که چگونه حزب خائن توده در مورد قیام
خونین بهمن ۵۶ تبریز، نفرت خود را از پسا
خاستن وطنیان خشم توده ها ابراز داشت،
حزب توده، لهیب آشفشان خلق را که توده های
سرمایه داری وابسته را میسوزاند، به ساواکیها
و ارازل و اباشی نسبت میدهد که میکوشیدند
نظرات مسالمت آمیز و قانونی (قانون) (آرمان)
آریا مهری (مردم را بهم بزنند) (۳) و یافدائیان
در بحبوحه یورش رژیم به ترکمن صحرا و کشتار خلق
بجای تبلیغ مقاومت مسلحانه در میان توده ها

می کهد در دوران انقلابی بر میردند -
تبلیغ و ادادگی و انفعال سیاسی بردا ختنند و
توده ها را به عقب کشیدند، در حالیکه کمونیستها
به استقبال روحیات انقلابی توده ها میروند و
میکوشند تا آن را با علم انقلاب درهم بیا میزند،
کمونیستها در مقابل غرایز توده ها تعظیم نمی
کنند، آنرا می شناسند تا جهات منفی اش را با
تبلیغ درهم کوبند و جهات مثبتش را بیدار و
هشیار گردانند.

آثار ریشیستها - بظواهر احساسات انقلابی
توده ها را میستایند و در تبت و تا بآن میسوزند،
اما نمیدانند چگونه این روحیات انقلابی
توده ها پدیدار میشوند و علاوه بر آن هنگامی که این
روحیات پدیدار شد، در مقابل آن تعظیم میکنند
و نمی کوشند تا آن را با سوسیا لیسم علمی
بیا میزند، روزیونیستها در مقابل روحیه رکود
و تسلیم توده ها تعظیم میکنند و آثار ریشیستها در
مقابل خشم و غضب خود بخودی توده ها! و در هر دو
حالت آشفشان شور انقلابی توده ها بسا
سوسیا لیسم علمی نمی آمیزد و سرما یه داری را
نشان نمی رود، آثار ریشیستها درک نمی کنند که
یکسری دلایل عینی و فادای برای پیدایش
احساسات انقلابی توده ها لازم است و تا رسیدن
توده ها به این دورا نهی انقلابی با یستی در
میان توده ها صورت نهد، تبلیغ کمونیستی
پر داخت و آنها را حول مسائل ملموس نشان
تهییج کرد، آنها نمی فهمند که بحران انقلابی
است که روحیه انقلابی را در پی دارد، آنها
تهییج توده ها را می خواهند، اما نمی فهمند
چگونه باید توده ها را تهییج کرد و به اقدامات
تهییجی مصنوعی بنا میبرند، لنین در چه با بد
کرد بخوبی وجهتسا به اکونومیستها و تروریستها
(که دو وجه از روزیونیسم و آثار ریشیسم می باشند)
را در این زمینه نشان میدهد، یکی در مقابل
احساسات خود بخودی تسلیم و رکود لنگ میا تدا
و دیگری در مقابل خشم آتشین خودشان و هر دو
تبلیغ کمونیستی برای ارتقاء توده ها و بیدار
کردن احساساتشان را را میسازند، آثار ریشیستها
را بطه دیا لکتیکی میان تبلیغ و روحیات توده
- ها را در هر زمان درک نمی کنند، آثار ریشیستها
نمی فهمند برای آنکه روحیات توده ها را تغییر
داد و آثار بسوی انقلاب را ندبا یستی این
روحیات را شناخت و در تبلیغ بحساب آورد

آثار ریشیستها تبلیغشان در دوران رکود، اعتلا
انقلابی و موقعیت انقلابی همیشه یکسان است،
آنان به طوطی می مانند که همیشه یکجور حرف
میزند، احساسات توده ها چگونه است؟ مهم نیست
توهم توده ها در چه سطح است؟ مهم نیست و
چنین است که از توده ها متفرق میشوند و تنها
مینانند، مسئله مهم در اینجا است که آثار ریشیستها
نه تنها روحیات توده ها را در نظر نمی گیرند
بلکه در مدهد آگاهی بخشیدن به احساسات انقلابی
توده ها نیز نیستند، آنها سوسیا لیسم علمی
را با روحیات انقلابی توده ها نمی توانند
بقول لنین نمی خواهند در هم آمیزند، آنها

فقط فکرتهیج مصنوعی توده ها هستند -
آنها ریشیست به آن قوزی بیچاره ای میمانند که
شیده است اگر چنانچه را خوشحال کنی، آنها قوز
اورا بر میدارند و قوزی مانگامی که به دیدار
"جن ها" میبرود، بی آنکه روحیات آنها را بدانند
شروع به رقص و شادمانی میکنند و چنین میشود
که ریشیستها که تنها فرزندش در آن روز مرده
بود از فرط خشم قوز دیگری نیز بر پشت قوزی ما
می نهند و "قوز با لاقوز" میشود.

فرا موش نکرده ایم که چگونه معتقد به مشی
چریکی در دوران رکود، اعتلا و موقعیت انقلابی
همچنان شعار مبارزه مسلحانه را تبلیغ میکردند
و حتی الان هم میکنند! (گروه اشرف دهقانی
بدون توجه به روحیات توده ها، کماکان شمار
هسته های مسلح درهمه ایران را میدهد) بی آنکه
روحیات توده ها را در هر دوران در نظر بگیرند و
بدین ترتیب در این دورا نهی از توده ها جدا
می افتند و راه برای بدست گرفتن رهبری
توسط طبقات غیر پرولتری بازمی شود آثار ریشیستها
بجای توجه به روحیات، توده ها، روحیات خود را
در نظر میگیرند و آثار میدا حرکت خود قرار می
دهند، تبلیغ روزیونیستی و آثار ریشیستی هر دو
در جهت جلوگیری از انقلاب پیروز مند پرولتاریا
میکوشند، یکی توده ها را به زانده بورژوازی بدل
میکند و دیگری انقلابیون را تنها و جدا از توده ها
رها میکند.

باورقی

- (۱) - نقل قول لنین از کتاب علم انقلاب
لنین و روانشناسی اجتماعی آورده شده است.
- (۲) - لنین، بیامری کودکی چپ روی
- (۳) - نوید، ۹۰ اسفند ۵۶

بقیه از صفحه ۱۹ اطلاعیه ...

گسترش را حفظ نماید و از این مهمتر به جمع بندی
گذشته خویش بپردازد و جایگاه خویش را در جنبش
مشخص کرده و چشم انداز حرکت خود را تعیین نماید
خواست یا سخاویتی به بنیادهای جنبش با توان و
امکانات گروه همخوانی نداشته، دیگر گروه
فنا لیتهای خرده کارانه به سر رسیده بود، اما
گروهی توجه بدین امر حتی اقدام به انتشار
نشریه تبلیغی سیاسی میکند.
انتشار نشریه توسط رفقای گروه مورد
اعتراض فرا میگیرد و بعنوان امری خرده -
کارانه و در خدمت تشدید پراکنندگی مورد انتقاد
فرا میگیرد و به همین جهت انتشار نشریه از شما ره
۲ متوقف میگردد.
در این زمان انتقاد دبه عمل کرده گذشته و
درک عمیق تر از ضروریات جنبش و ایضا دشمنیت
و پراکنندگی جنبش کمونیستی در شکل، افزایش
میابد، مرکزیت برای جمع بندی و تعیین سیاست
مشخص آینه، نشست کنگره گروه را فرا میخواند
تا در رابطه با ضعفهای شکل و چشم انداز حرکت
به بررسی و تصمیم گیری بپردازد، کنگره در سه
زمینه به بحث میپردازد. (ادامه دارد.)

دادند. اما بورژوازی حاکم در پی اجرای این امتیازات نبود و به همین خاطر تمام کارگران لهستان بعنوان اعتراض به خودسری دولت بطور سمبولیک دست به یک اعتصاب یک ساعته زدند. در برابر این فشار، رویزیونیستهای عوامفرب به رهبری استانیسلاوکا نیادبیرکل جدید حزب دوباره قول میدهند که دولت به وعده های خود وفا خواهد کرد.

اما آیا بورژوازی به خواست طبقه کارگر براحتی کردن می نهد؟ هرگز! بورژوازی هرند می را که زیر فشار جنبش نبوده ای به عقب بردارد، به تنها جم جدیدی علیه بیرولتا ربا تبدیل خواهد کرد فقط با سرنگونی بورژوازی است که بیرولتا ربا به خواستهای طبقاتی خودنا ثل میاید. اما متاسفانه طبقه کارگر لهستان از یک رهبری کمونیستی و قدرتمند بدور است. مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان در دوره اخیر از یک سو بیجان حقا نیت نیروی بیرولتا ربا ی این کشور علیه بورژوازی حاکم میباشند، از سوی دیگر نشانگر آن است که این مبارزات فاقد یک رهبری کمونیستی و بیروزمندی میباشند و واضح است که این ضعف اساسی امکان میدهد تا جریان مبارزاتی برجسته کارگری سوار شوند و آن را به انحراف بکشانند در این ارتباط وقایع اخیر در لهستان درس آموز است: در واقع از جمله جریانهای که در جنبش کارگری لهستان نفوذ دارند "کمیته برای دفاع فردی و اجتماعی" (KOR) میباشد. که در سال ۱۹۷۰ بعد از سرکوب و گشتا رکارگران توسط رویزیونیستها به رهبری "گومولکا" بوجود آمد. این کمیته دارای ترکیب ناهمگون بوده و در درون آن روشنفکران بورژوازی - لیبرال نیز وجود دارند. در واقع از ابتدای اعتصابات تا این کمیته کوشش کرد تا مبارزات کارگران به یک مبارزه انقلابی علیه حکومت تبدیل نشود و از شکل مسالمت آمیز خود فراتر نرود و علاوه بر خواستهای این مبارزات به درخواستهای منفی و سیاسی معین محدود باقی بماند. علاوه بر این توجه به نفوذ افکار مذهبی در میان کارگران که بسیار یکی دیگر از خیا نتهای رویزیونیستها بشمار میرود، کلیسای کاتولیک کوشش کرد تا از این زمینه ذهنی سود جست و کارگران را به آشتی و صلح با بورژوازی حاکم بکشاند و روشن است که کوششهای جریان بورژوازی - لیبرالی فوق و روحانیون مرتجع در میان کارگران بی اثر نبوده: این جریانها کوشیدند تا با کسب امتیازاتی چند، مانع از پیشروی با زهم بیشتر جنبش گردند و در میان کارگران افکاری ارتجاعی مانند آزادی فعالیت اعتصاب کلیسائی و "دمکراسی" را رواج دهند.

طبقه کارگر لهستان در مبارزه علیه بورژوازی - رویزیونیستها ی حاکم بدنبال دمکراسی - کندیده بورژوازی نمی باشد. او از سمت طبقه ای بورژوازی حاکم به ستوه آمده و به مبارزه برخاسته است. خواست حقیقی بیرولتا ربا استقرار سوسیالیسم و دمکراسی پرولتری از طریق یک انقلاب اجتماعی بقیه در صفحه ۲۹

های راداری آمریکا و ماهواره کاموس - اس - ۱۹۷۶ نظارت کنند. این هواپیما ها که از نوع بوئینگ ۹۵ می باشند در با کاهای نظامی نیروی در منطقه استرا ریا فته اند. به علاوه نیروی هواپیما های فوی مدرن منگ ۲۷ خود را نیز در منطقه مستقر نموده است.

در کنار این فعالیتهای امپریالیستی، اقدامات دیگری نیز در جریان است. در حال حاضر ستاد و کانتهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، استرالیا که در خلیج فارس و اقیانوس هند مستقر می باشند، بطور فعال تا یکدیگر در حال صورت بوده و اطلاعات جاسوسی و تکنیکی مربوط به حرکت با و هارا تا یکدیگر مبادله میکنند.

ا تا در آن در شرایط فعلی یک نیروی زمینی ناوگان هفتم امپریالیسم آمریکا و یک نیروی مرینی اسکلسان در حال انجام مامور مشترک در سواحی مرکزی و شمال غربی اقیانوس هند هستند. در اسان ما نور ۲۵ کشتی جنگی ۱۷۰۰ هواپیما و ۱۸ هزار پرسنل نیروی دریایی شرکت دارند. نیروی نیز اخبار نیروی دریایی خود را تقویت کرده است. ناوگان جنگی نیروی دریایی سوسی هند مرکب از ۲۶ تا ۲۸ ناو است که ۱۴ تا ۱۶ فروند آن کشتی جنگی میباشند و ما بقی آن جنبه پشتیبانی دارند. از جمله کشتی های پشتیبانی ۵ زبرد دریائی است که سوخت ۳ فروند آن کشتی هستند.

در واقع امپریالیستها اگر از یک سو میگویند تا در رقابتها متقابل خود موقعیت امپریالیستی آنان را در منطقه خلیج تحکیم نمایند از سوی دیگر پیش از پیش خود را برای مقابله با جنبش خلقهای منطقه آماده می نمایند. اما ...



جنگ ایران و عراق و تشدید رقابتهای امپریالیستی

جنگ ایران و عراق به امپریالیستها امکان داد تا بیش از گذشته اسلحه های خود را بفروشند، رقابتهای تسلیحاتی فزاینده تری انجام دهند و نفوذ و حضور خود را در منطقه گسترده تر نمایند.

رواج حماس منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس و جاهای نفت آن نمی تواند مورد توجه امپریالیستها قرار نگیرد. او جکری مبارزات انقلابی در منطقه و بخصوص در ایران و رقابتهای امپریالیستی هر یک از آنها بخواران و امیدارد تا به حرکت نظامی سیاسی وسیعتری دست بزنند. در جریان جنگ ایران و عراق بود که امپریالیسم آمریکا چند فروند هوا بیما آی اوکس به عربستان سعودی تحویل داد. این هواپیماها که در حقیقت هواپیما های غول پیکر بوئینگ میباشند تنها قادر است تمام منطقه را تحت کنترل و جاسوسی خود در آورند و در لیکه هوا بیما های جنگی نیز می باشند. آی اوکس که مدرنترین هواپیما ی جنگی غرب است و حدود دو بیست میلیون دلار قیمت دارد، قادر است با سیستم رادار خود موشکهای راکه در ارتفاع کم پرواز کرده و غالباً توانائی گریختن از کنترل رادارهای معمولی را دارند و مورد تعقیب قرار دهد. این هوا بیما بین هوا بیما های جنگی واشیا "برنده" دیگر فرق گذاشته می توانند با موشکهای خود هوا بیما های حریف را از بین ببرند. استقرار این هوا بیما ها در عربستان به امپریالیسم آمریکا اجازه می دهد تا در صورت تشدید درگیریها در منطقه و گسترش رقابت امپریالیسم شوروی - سوسیالیستی اقداماتی نماید.

اما در برابر این اقدامات سوسیالیست امپریالیسم نیز به بقا بله دست میزند. در مقابل تحویل آی اوکس ها، شوروی نیز هوا بیما های تجسی بسیار پیچیده ای را در منطقه گسیل میدارد. این هوا بیما ها با سیستم های پیچیده راداری و اداری دستگاههای خیرگی می مجهز شده و می توانند بر اثر ناطات میان آی اوکس و سیستم

لهستان: مبارزات کارگران و وظایف کمونیستها

در ماههای اخیر اعتصابات و مبارزات کارگری لهستان را لرزاند و حکومت بورژوازی - رویزیونیست این کشور را دستخوش بحران نمود. فشار این مبارزات حق طلبانه منجر به برکناری ۱۴ عضو کمیته مرکزی حزب، برکناری "ادوارد سیلویچ" نخست وزیر و سقوط "ادوارد گبرک" دبیر کل رویزیونیست حزب گردید. کارگران با اتکا به مبارزات خود توانستند رژیم ارتجاعی حاکم را به عقب نشینی وادار سازند و امتیازاتی بچنگ آورند. از جمله این امتیازات حق انتخابات جدید در اتحادیه های تمام کارخانجات برای مخفی و تعداد کاندیدای نامحدود، حق اعتصاب حق تشکیل اتحادیه کارگری مستقل برسمیت شناختن "کمیته مشترک اعتصاب" از طرف دولت و... بود. بدنبال این عقب نشینی و ایمن امتیازات، کارگران به اعتصاب خود پایان

نگاتی درباره مبارزات کارگران پوشش

کردند، عده‌ای از کارگران خوش خیال، فریب حسینی را خورده و به امید آنکه او نما بیندگان نشان را برگرداند دست روی دست گذاشتند. اتفاقاً از آنکه او خود، آنها را اخراج کرده و عنصری ضد نازکراست، نالنازمانیکه کارگران سطرف شهر را هیماشی کردند، عده‌ای از آنها مانع ادامه حرکت شده و مسئله حمله با زاریان را طرح کردند، در صورتیکه کارگزانیکه از پاسداران زد ۳ بدست هیچ ترسی ندارند، چگونه از پشتی مفت خوربا زاری بترسند؟! از آن گذشته برای برقراری اتحاد کسترده و جلب حمایت سا بر کارگران و مردم شهر می بایست حرکت ادامه می یافت.

با شدکه از حرکتهای اشتباه همان درس بگیریم و با حفظ هوشیاری و همبستگی خود، با اتکا به اتحاد دلسری طبقه کارگر مبارزات به حقممان را پیش ببریم.

با کمی تغییر بنقل از "بیک پوشش" شماره ۱۱

سیاست سرمایه داران و عواملشان همیشه این بوده و هست که برای به شکست کشاندن مبارزات کارگران وادامه جیا ولگری و بهره کسی خود، در صفوف کارگران نفوذ پیدا کنند و زندوا و زمتکشیل شدن آنها جلوگیری بعمل آورند. لذا توطئه های رنگارنگی بکار میبرند و با استفاده از ناآگاهی بختی از کارگران، جلوی حرکت متحد و استوار آنها را میگیرند. بنا بر این ما کارگران با بسند مبارزات خود را آگاهانه و با هوشیاری تمام به پیش ببریم تا مبارزات ما در درام توطئه های سرمایه داران بیفتمیم. در کارخانه پوشش چندا شتبا ه از خا نک کارگران موجب فریب بردن به مبارزه شان شد؛ اول اینکه زمانیکه کارگران کارخانجات دیگر (از جمله کشف کار و ایریرسلان) به کمک سایر کارگران احتیاج داشتند، عکس العمل عدی از سوی کارگران در کارخانه پوشش بعمل نیامد. بنا بر این زمانیکه شما سدگان کارگران را اخراج

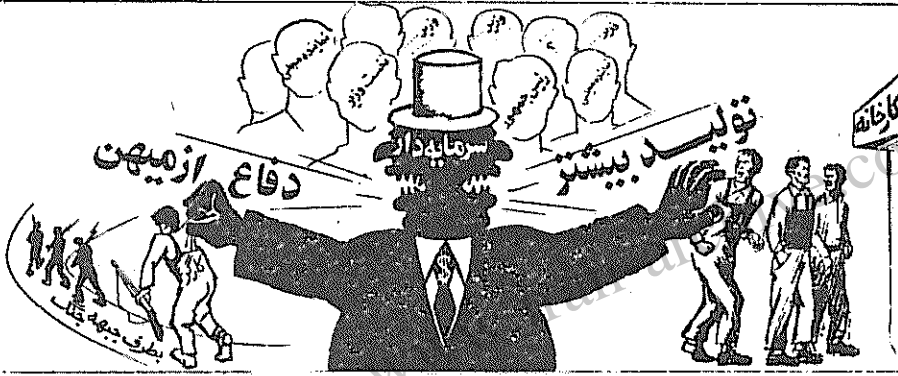
جان کارگران در شیفیت شب کاری در خطر است!

کارگران مبارز!
چنگی که آغاز شده است، حنگ سرمایه داران و رژیمهای ارتجاعی حاکم بر ایران و عراق می باشد که زحمتکشان هیچگونه منافعی در آن ندارند! سرمایه داران و رژیم، کارگران را بنام "دفاع از زمین" که بیشتر تزیین میکنند و حاصل کار آنها را با عارت میبرند، سرمایه داران را لومفت و رژیمها می آنها بیشتر مانده در حالی که شیبا خطر حمله هوائی وجود دارد و در بعضی از کارخانه ها کارگران را در کارخانه بکشد میبندند تا به تولید ادامه دهند، و با لطمه مقسور با خاموسی اجزا بسپرد. کارگران در شیفیت شب کاری در خطر است. ما رژیم و سرمایه داران به آن توجهی ندارند و شیبا مگر شیبا خودشان هستند! شیفیت شب کارها که خطر حمله هوایی وجود دارد باید با پرداخت کامل حقوق تعطیل گردد!

تراک شماره ۹۳

کارگران مبارز شرکت فلور اصفهان همچنان میبزمند

شرکت فلور که شیبا یکا شرکت نفت بود. بعد از فرا کار فرمایان در جریان قیام، شروع به اخراج کارگران می کند. اما بنظر بالا بودن روحه مبارزاتی کارگران موفق شدن کاررسی شوند آنها خواستار آنند که به اسناد مداخلی شرکت نفت در آمد و در پروژه های که شرکت نفت در نقاط مختلف دارد کار کند. اما ماهای مبارزه شن کارگران و دولت نتواند که دولت در تاریخ ۱۹/۷/۵۹ رسماً اعلام کرد که کارگران "فلور" حق ورود به ایلاسکا و راه اندازی و شیبا ۴۰ نفر از ۱۲۵ نفر کارگر اس شرکت شیبا اس در صنعت بخش ایلاسکا کار کند. اعلام ایس موضوع است حتم شد که کارگران فلور کردند. کارگران در شیبا میگویند: "کار فرمای شرکت نفت کرفه ما اسناداری. فرماینداری اداره کار... همگی دستبستی کرده اس ما را اخراج سما بندوا کر رژیم در طول اس نکال با سما دور و کلکهاشی کرده اس ما را سرکوب کند. حالاً با اسفاده از بحث ایران و عراق میخواهد ما را وادارند بنیمند بحث ایران و عراق حیاتی بوده برای ایران اس اگر دولت شیبا بنیمند... رژیم فلور رژیم عراق را دارا اس مبارز... شیبا ترسان اس شیبا بنیمند... و خود اس که در... در



ورحمتکمان میداندندولی با کارگران و زحمت کشان هیچ وقت نمی توانا سدگان رسا بند چون با بدکار کارگران و زحمتکشان را استنما روسکوب کنند تا به حکومت پوناالی خودا داده دهند. به همین جهت هم هست که رژیم ایران لبه نیز حمله را مسوود کارگران و زحمتکشان می نماید و در کنار آن به مبارزان و جنبه سازحمتکشان مهاساد و... داده میدهد.

آری! دوستان کارگر! ما با بیاد از اعمال رژیم ضد کارگری درس بگیریم و هما نظور که رژیم دست به تنها روسکوب یکبار چه سر علیه زحمتکشان و... میزند ما هم با بی نظور یکبار چه و متحسد صفوف خود را استوار و مستحکم نما شیم و در شیبا خودمان هما هنگی بیشتری برقرار کنیم تا رژیم و کارفرمایان نتوانند از این نا هما هکی بنفع خودا استفاده نمایند. بشی:

بکوشیم با یکبار چکی تمام توطئه اسخراج کارگران مبارز را خنثی کنیم!

با کمی تغییر بنقل از اعلامیه سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - حوزه اصفهان

۵۹/۷/۲۶

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

پاسخی به لاطائلات روزنامه اطلاعات

نما بیندگی از حزب جمهوری اسلامی وکل رژیم ملی نطق خود در آمریکا، فقط منتظر آن است که آمریکا توبه را از روی کاغذ بیاورد و در گریه عملا "توبه کرده است و میگوید که آمریکا با این توبه" "تکا مل معنوی" میباید، و با این حرف درک بسیار نازل و عامیانه از (و در واقع سازش طبقاتی خود با) امپریالیسم آمریکا را نمایش میگذارد، از کسانیکه با کوشش و توطئه در راه صدور "انقلاب" خودشان دادند که به تخریب انقلاب خلقهای ایران بسنده نمیکنند، بلکه در تخریب انقلاب دمکراتیک دیگر خلقهای منطقه هم مصمم هستند.

از کسانیکه

آری ما از چنین حاکمیتی که نه نما بینده زحمتکش، بلکه نما بینده منافع طبقات و اقطاع عقب مانده است انتظار داریم، آنجا دشمن طبقاتی خود را خوب تشخیص میدهند و غریزه طبقاتی تیشان چنین حکمی را اما دوست ندارند. سرقاله ای دیگر نوشته اند: "اینها را با یاد از دم تیغ گذارند..."

آری هر کارگر و زحمتکش ایرانی و عراقی که به عواقب مصیبت با این جنگ بین دور رژیم ارتجاعی نگاه کند چاره ای جز محکوم کردن آتش افروزان ندارد.

شما چرا از ویرانیها و کشتارهایی که بر علیه زحمتکشان عراق بوجود آورده اید بدسخن نمیگوئید مگر خلیبانان شما نبودند که وقیحا نه در تلویزیون میگفتند:

"هدف را چنان نشان ندهیم که "عمله ها" بی عراقی که جاده را صاف میکردند فرصت دور انداختن بیل و کلنگشان را نکرده اند" "چرا از آنها سخن نمی گوئید؟ مگر همین خلیبانان "عفو خورده" شما نبودند که پس از بمباران شهرهای عراقی مباحه میکردند و خود را "کربلائی" مینامیدند؟

رژیم ضد خلقی و خونخوار عراقی را ما پیوسته افشا کرده ایم و مبارزه انقلابی را رگسزبان و زحمتکشان و نیروهای انقلابی عراق بر علیه رژیم عراقی را با تمام وجود تا شدیم نشانیم. مبارزه ما با ارتجاع منطقه منجمله رژیم دام حسین نه مانده شما از طریق حزب آمریکا شنی الدعوه و پیکار اسلامی، نه از طریق حمایت افروزند آیت الله حکیم که خود پدرش مورد حمایت رژیم شاه و رژیمهای ارتجاعی عراق قرار داشتند، نه

بقیه در صفحه ۲۱

"غسل تعمید" داده آنا ترا "حر" تا میدند، از کسانیکه با سازش با امپریالیسم آمریکا، مانع اتما موبه شمر رسیدن انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی خلقهای ایران شدند.

از کسانیکه نیروهای انقلابی درون ارتش و همافران قیام کنند ۲۲ بهمن را به "سزای جاسارتان" رساندند و چون روح رژیم آوری در آنا ن سراغ کرده بودند، آنها را منفرد، تبعید یا با کسای کردند.

از کسانیکه پس از بر سر کار آمدن کمر همت به نایب بودی نیروهای انقلابی و کمونیستی بسته و با همین اقدام خود ما هیت ضد انقلابی خود را آشکار نمودند.

از کسانیکه ما به امپریالیسم آمریکا در سر کوب چپ هستند و با وجود این خود را "فدا میریالیست" مینامند.

از کسانیکه در مبارزه با رژیم نظامی سرمایه داری وابسته و حمایت از منافع زمینداران بزرگ هر چه زودتر نشان بر آورده اند.

از کسانیکه شما محیله و شرفندهای خود را برای بازگرداندن ایران به عصر مشروطه شیخ فضل الله بنکار بر بردن و قانون اساسی ضد انقلابی خود را در مجلس قلابی و در سایه توهمات توده های نا آگاه و بتویب رسانند و "ولایت فقیه" را چون کلاهی گشا در سر مردم ایران گذارند.

از کسانیکه با ملاحظه من در آوردی "ملت مسلمان ایران" هموطنان شرافتمند مسیحی و غیره را حتی ایرانی شمیدانند و از این هم بالاتر با اصطلاح "جلی" "ملت مسلمان فلسطین" مسیحیان آن سرزمین را فلسطینی نمیدانند و با این اقدام خود در حالیکه هیچ کاری بسزای فلسطینیها نکرده اند به وحدت ملی آنها ضربه میزنند.

از کسانیکه سر کرده ها شان مثل آیت الله دستغیب (شیراز) و خا منه ای (تهران) و دیگران مردم بی پناه و خوزستان را که از توب و مسلسل و بمبارانهای ناشی از این جنگ ارتجاعی فرار کرده اند داخلین مینامند، و میگویند به آنها خانه ندهید و به آنها چیزی نفرشید.

از کسانیکه با اقدامات ضد انقلابی خود زمینه ساز کودتا و فاعلیتها را ارتجاعی او میسازند و بختیارها شدند.

از کسانیکه نخست وزیر مکتبی شان، به

سرمقاله روزنامه اطلاعات مورخه ۲۷ مهر به فحاشی، کینه توزی، دروغبانی و تهدید علیه سازمان ما اختصاص یافته است. مورد حملات دشمن - ارتجاع - قرار گرفتن بی نفس چیز بی نیست. نشان دهنده آن است که موضع گیری ما درست روی نقطه حساس در دست گذاشته و ما هیت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم را از بر سرده بیرون کشیده است.

بدنحال درگیری جنگ ارتجاعی بین دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق ما موضعی اتخاذ کردیم که متکی بر درک ما هیت جنگ، ما هیت طرفین جنگ و قضاوت در باره آنها زویا بیسان جنگ از دیدگاه منافع طبقه کارگر و زحمتکشان میباشد. این یک نقطه عزیمت کمونیستی است که ما کوشیده ایم در موضع گیریمان در قبال این جنگ ارتجاعی از آن حرکت کنیم.

روزنامه اطلاعات که یکی از بوقهای تبلیغاتی در دست ارتجاع حاکم است با منطق فحاشی و دروغ و خط و نشان کشیدن با موضع گیری ما سر خورد کرده است. با منطقی مستدل ترو قانع کننده ترا زدنشهای زیر جهت مقابل تبلیغاتی با نیروهای انقلابی در دست ارتجاع هست؟ توجه کنید:

"گروهک وحشی که شاه" کاری دیگر ببار آورده.

"در خباثت و بی شرمی سنگ تمام گذاشته، فاحشه های سیاسی مزدوری که آمریکا آنها را به مزایده گذاشته است، ما جرجویانی که بی نوعی ما زکیسیم - لنینیسم! و گانگستری! ایما ن آورده اند، یا دوهای آمریکا، خاشاکان شماره یک و ..."

این ناسزاها که نشان دهنده طبقه تشریفاتی مرتجعین بقدرت رسیده علیه کمونیستهاست ما را بهیچوجه نگران نمیکند. ما از کسانیکه زمینهای این جنگ را فراهم آورده اند و در اینجا دهنمسی سوزان که توده های زحمتکش ایران و عراق و سرمایه های ملی دو کشور را به آتش میکشد هم هستند، انتظار داریم.

ما از کسانیکه به کشتار عام دهکده قارنا و کانی ما میدوخته اند و آفرین گفتند، از کسانیکه کشتار کارگران درود و اندیمتک را تا شید کردند.

از کسانیکه اعلام دروغین روز قدس و حمایت از فلسطین را بهانه ای برای لشکر کشی به کردستان قهرمان نمودند.

از کسانیکه فرما ندهان ارتش آمریکا شنی شاره در پستهایشان ابقاء کردند تا ارتش سرکوبگر خلقهای ایران وظف را برای سرکوب در کردستان و خوزستان و ترکمن صحرا همچنان حفظ کنند.

از کسانیکه همین فرما ندهان را یکشنبه

رژیمهایی که خلقهای کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

نگاهی به : جنبش کمونیستی در عراق و خیانت روپزیونیستها (۱)

در پی مقالات کوتاهی که در شماره های گذشته آمدوبه ترتیب "وضع اقتصادی"، "جنبایات و اقدامات ضد خلقی رژیم حاکم بر عراق"، "ظهور و سقوط حزب بعث" را به اختصار مورد بحث قرار میداد، در این شماره به جنبش کمونیستی عراق و اقدامات آن به نقش خیانته آمیز روپزیونیستها میپردازیم و خواهم دید که کمونیست "بهر کجا که روی آسمان همین رنگ است!"

۳۱ مارس ۱۹۳۴، یعنی ۴۶ سال پیش، حزب کمونیست عراق پایه گذاری شد. او جگپری جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای عراق که از سال ۱۹۲۵ علیه انگلیس ها و عمال داخلی - شان ابعاد تا زهای یافته بود و نیز نقش پیگیرانه و مجدانه طبقات کارگر و کمونیستها در جنبش انقلابی و دموکراتیک، زمینه ساز زدا خلقی بنیاد گذاری حزب بود. همچنین پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکبر و استقرار نظام سوسیالیستی در اتحاد شوروی چشم اندازهای نوینی را از تئوری و پراتیک - انقلابی و کمونیستی فراروی طبقات کارگر و پیش - تازان آن در سراسر جهان - من جمله در عراق - میگذاشت.

امپریالیسم انگلستان که پس از جنگ جهانی اول، میراث خوار امپراطوری عثمانی شد، در سال ۱۹۲۵ به این کشور وارد گردید و عراق از جنگ عثمانی خارج شده به صورت یکی از ایالات هند بریتانیا (تحت اداره نایب السلطنه انگلیس در هند) درآمد. "فئودالیسم و بورژوازی وابسته (کمپرادور) عراق بزودی سلطه بریتانیا را پذیرفتند و با آن همکاری فعال نمودند. . . . انگلیسیان به منظور تحکیم مواضع سیاسی خود، کمپرادورها (۱)، اشراف فئودال و قبایل و نیز (بخشی از روحانیت بویژه شیعیان) را در اداره کشور شرکت دادند و آنها را با دادن مقرری، مدال و کمک مالی اغوا نمودند." (تاریخ عرب در قرون جدید، ص ۳۸۱ برانتز اول از ماست)

بلافاصله بدنیا ل ورود انگلیسی ها به عراق (۳۰ ژوئن ۱۹۲۵) بمدت ۶ ماه شورش سراسری ادامه یافت. در این مدت جنگ داخلی سراسر عراق را فرا گرفته بود. انگلیسی ها با ارباب و کشتارهای دستجمعی، با زدا شنها و تبعیدها و شکنجه های سسی در خفه کردن جنبش خلق داشتند. این واقعه ای بسیار مهم و افتخار آمیز در تاریخ خلقهای عراق است. سیاست حیل گرانده استعماری انگلیس بابرتننا کردن فرمانده نیروهای انگلیسی در عراق و بیکار گماردن "روبا هی" بنام "سرپرسی کاکس" مقدمات ایجاد دیکتاتوریت سلطنتی تحت الحما یه را در این سرزمین فراهم آورد و بدین ترتیب فئودال راکه از خاندان سرسپرده "شریف مکه" بود بر تخت پادشاهی عراق

نشاند. تحت الحما یگی عراق که تا سال ۱۹۵۸ طول کشید با رها بوسیله پیمانهای دوجانبه بین انگلیس و دولت دست نشانده اش در عراق و به دست یاری مزدورانی چون "نوری سعید" تحکیم شد. مثل پیمان ۱۹۲۲ و پیمان ۱۹۳۰ و پیمان پورتسموت ۱۹۴۸.

کمونیستها پیشاپیش دیگر نیروهای مبارز ریهنه مبارزه ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه و نیز در راه از بین بردن عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی حرکت میکردند. علیرغم آنکه حزب چند ماه پس از تاسیس در معرض ضربه قرار گرفت، توانست در قیام بصره شرکت فعال نماید. حزب تظاهراتی نیز در ژوئیه ۱۹۳۷ در حمایت از خلق فلسطین بر پا کرد. تظاهراتی که در شرایط سرکوب و خفقان شدید دوران "نوری سعید" و در مقابل به با توطئه های شوم امپریالیستی انگلیسی در فلسطین تا شیر قاتل توجهی در جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای عرب بر جای میگذاشت.

در همان سال است که کمونیستها طی برنامه ای از ضرورت اتحاد خلقهای عرب و کرد سخن میگویند و شعار: "بصره تا حد خلقهای عرب و کسرد، استعمار زدر هم خواهد شکست" را مطرح مینمایند. حزب قبل از انعقاد اولین کنفرانس سراسری خود بسال ۱۹۴۵ یک مرحله از مبارزه ایدئولوژیک را پشت سر گذارده و در جریان کنفرانس توانست با تصویب اساسنامه و برنامه حزب بین منافع طبقات کارگر از یکطرف و مبارزه ملی از سوی دیگر پیوند محکم برقرار کرده، تلاش خود را برای ارتقا آگای، سیاسی و وطنی طبقات کارگر متحرک - زما نماید. حزب توانست در تحکیم صفوف طبقات کارگر بکوشد و اعتمادات کارگران نفت در سال ۱۹۴۶ که دو هفته طول کشید و ۱۶ کشته و تعداد زیادی مجروح بر جای گذاشت، نشان دهنده قدرت حزب در سازماندهی طبقات کارگر عراق میباشد. همبستگی توده ها با کارگران و فریادهای "مرگ بر خفقان و ارباب" تا شیر عمیقی بر سر جنبش کمونیستی عراق بر جای گذارد. توده ها در نتیجه این تجربه مبارزاتی کارگران، اهمیت مبارزات سازمان یافته را بهتر درک کردند. رژیم در مقابل، سرکوب مبارزین را تشدید کرده و عده ای از کمونیستها را دستگیر نمود. این اقدامات و امضای قرار داد پورتسموت با انگلیس بسال ۱۹۴۸ قیام توده ای ژانویه همان سال را بدنیا ل داشت. کمونیستهای عراق نقش بارزی در این قیام ملی بعهده داشتند. قیامی که سرانجام حکومت دست نشانده

"صالح جبر" راکه آن قرار داد سنگین را امضا کرده بود پیروزمندان سرنگون ساخت و آن قرار داد را لغو کرد. سطرهای از گزارش یک مجروح را در این باره در زیر میا وریم:

"نه آتش گشودن پلیس بسوی اجتماعات سوسیالیستی و نه زدا شت انگیزندگان توفان (بیشترشان کمونیستها) روز ۲۷ ژانویه نما یشهای خیابانی به اوج رسید. در آرتوز ۷۰ نفر کشته و ۳۰۰ نفر زخمی شدند. . . . پس از سقوط دولت، با هم بحرانی ادامه یافت تا ریخ نگار را ادامه میدهد:

"در تشیع جنازه ها دانشجویانی که در آن روزها کشته شده بودند پیش از یکصد هزار نفر شرکت جستند و سخنرانان احزاب، خواستار لغو همبستگی پیمان همکاری با انگلیس شدند. در روزهای بعدی هم اندک آرا می در اوضاع پدید نیامد. خیابانهای بغداد اما لامبال از جمعیت بود و مردم عملاً کنترل پایتخت را بدست گرفته بودند. برچمنها و پلاکاردهائی که بر آن شعارهای میهنی نوشته شده بود همه جا موج میزد. تقسیم اراضی میان همه مردم و نابودی بیگانگان" (۲) (از کتاب "در خاور میانه چه گذشت" ص ۳۴).

پیروزی کمونیستها در رهبری تظاهرات کاترگری و توده ای و شرکت تعیین کنندگان در قیامهای خلق، تا شیرات قابل ملاحظه ای در رشد جنبش انقلابی و کمونیستی در دیگر کشورهای عرب نیز بر جای گذارد. (۳).

یکی از چهره های با زرج جنبش کمونیستی عراق، رفیق شهید فهد میبا شد که در همان سال ۱۹۴۸ دستگیر و همراه با دوتن دیگر از همزمانش اعدام گردید. او از بنیانگذاران و نظریه سازان حزب بود و موضوعی انقلابی او در قیام ساله ملی ارباب علیه صهیونیسم و مساله فلسطین، حزب کمونیست عراق را در بین احزاب دیگری در جهان عرب، که خود را کمونیست مینامند، متمایز میسازد.



ادامه بحث را در شماره آینده میخوانید. **پاورقیها**
(۱) - در مورد میزان رشد سرمایه داری در عراق که برای مقاله حاضر نیابت اهمیت هم داشته است، متأسفانه منابع قابل توجهی در دست نداریم.
بقیه در صفحه ۲۰

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!

در چین رویزونیستی چه میگذرد؟ (۲)

در شماره قبل تغییرات و تحولات درون حزبی را بطور مختصر توضیح دادیم و از تقویت جناح ارتجاعی تنگ ستانکوویتس صحبت نمودیم. در اینجا میکوشیم نگاهی به مشی عمومی رویزونیست های سه جهانی در چین بیاندازیم.

رویزونیستهای خیانت کار زمانی که در چین به قدرت رسیدند برای اعاده سرمایه داری اساسا همان راهی را در پیش گرفتند که رویزونیستهای خروشچفی در برابر خود تکرار دادند. آنان در عین حلقه به سیاست و ایدئولوژی پرولتاریا به اقتصاد سوسیالیستی نیز تهاجم نمودند. اگر رویزونیستهای خائسن خروشچفی تحت پوشش "ساختن کمونیسم در ۲۰ سال آتی" به اقتصاد سوسیالیستی شوری حلقه کردند، رویزونیستهای سه جهانی تحت پوشش "چهارم رنیزاسیون" (صنعت، کشاورزی، دفاع ملی، علم تکنیک) و تئودیل چین به شوری نیرومند، دستاورد های سوسیالیسم را مورد تهاجم قرار دادند. سه جهانی های مرتد برای آنکه مبارزه طبقاتی پرولتاریا را خفه سازند و سیاستهای کونیستی را دامن کنند مطرح کردند که جامعه سوسیالیستی مبارزه طبقاتی پرولتاریا محور فعالیتهای حزب را تشکیل نداد و برای رشد اقتصاد باید به مرکز متخصصین و تخصص و فن تکیه کرد و تکنولوژی مدرن را از خارج تامین نمود. اما برآستی واقعیت چیست؟

روشن است که در یک جامعه سوسیالیستی تخصص و فن امر مهمی در جهت انکشاف تولید سوسیالیستی بشمار میآید، ولی منگله اساسی اینجاست که آیا متخصصین سفید و رویزونیست هدایت امور را در دست خواهند داشت یا متخصصین سرخ؟ که آیا با آنکه به پرولتاریا تکنیک را رشد باید داد یا با آنکه به امریالیستها؟ که آیا رشد اقتصاد به قیمت نابودی دیکتاتوری پرولتاریا و مشی و سیاست پرولتری تحقق خواهد یافت یا با تاکید بر ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا و رهبری حزب کونیست؟ اقتصاد سوسیالیستی بدون دیکتاتوری پرولتاریا حرف بوج و بیمعناست و روشن است که دیکتاتوری نیز از آنجا لازم است که جامعه طبقاتی است و مبارزه میان پرولتاریا و بورژوازی، مارکسیسم لنینیسم و رویزونیسم ادامه دارد. در جامعه سوسیالیستی تمام فعالیت های حزب باید به حول مبارزه طبقاتی صورت گیرد: زیرا در این جامعه در تمام عرصه های سیاسی، ایدئولوژی آموزش، اقتصاد، تکنیک و مدیریت... مبارزه طبقاتی انعکاس داشته و سیاست و دخط مشی تظا هر پیدا میکنند: سیاست و خط مشی پرولتری و سیاست و خط مشی بورژوازی، پرولتاریا باید آگاهانه این مبارزه را تا برقراری جامعه بدون طبقه کونیستی به پیش برد. پرولتاریا اگر مبارزه علیه بورژوازی و نمایندگان

سیاسی آن یعنی رویزونیستها را مست کند و باید ست فراموشی بسپارد، شرایط سرگ دیکتاتوری پرولتاریا را فراهم سازد. در حقیقت وجود دیکتاتوری پرولتاریا تجسم بارز ادامه مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی است، حال مسئله اینستکه پرولتاریا این مبارزه را در تمام طول جامعه سوسیالیستی ادامه دهد. محدود کردن مبارزه پرولتاریا به چهارم رنیزاسیون و تولید بیشتر جز خیانت عریان نسبت به پرولتاریا و مارکسیسم لنینیسم چیز دیگری نمی باشد.

اما رویزونیستهای سه جهانی چه میکنند؟ آنها می نویسند:

"دیگر مبارزه طبقاتی تضاد اصلی در این مرحله نیست... امروز طبقات متخصصین دیگر موجودیت ندارند. دیگر تحت دیکتاتوری قدرتمند پرولتاریا دشمن طبقاتی قادر نیست به طبقه ارتجاعی توسعه یافته ای بدل شده و علقه مقابل به پرولتاریا برخیزد".

رویزونیستها ادامه میدهند کسانی که معتقدند: "مارکسیسم لنینیسم یعنی حاد نگاه داشتن مبارزه طبقاتی و انقلاب یعنی سرکوب مدام مالکین، دهقانان مرفه و سرمایه داران، روی اصل قادر به پذیرش تحلیل کمیته مرکزی حزب مبنی بر عدم وجود مالکین، دهقانان مرفه و سرمایه داران نیستند... هدف دیکتاتوری پرولتاریا، سرمایه داران وابسته و بوروکرات است." (تغییر اساسی در موقعیت طبقاتی در چین، خبرنامه پکن، شماره ۴۶ و ۴۷، نوامبر ۱۹۷۹)

رویزونیستهای خائن سه جهانی بطور آشکار مبارزه طبقاتی پرولتاریا را بشما به محور فعالیت حزب نفی کرده و خائنان هستند. دیکتاتوری پرولتاریا را سرنگونی سرمایه داران وابسته و تحقق "چهارم رنیزاسیون" میدانند. حال آنکه ما میدانیم هدف انقلاب دموکراتیک سرنگونی سرمایه داران وابسته است و هدف دیکتاتوری پرولتاریا عبارت از مبارزه علیه بورژوازی در طول جامعه سوسیالیستی و استقرار جامعه کونیستی است. در حقیقت بورژوا - رویزونیستها با چنین تحلیلی میکوشند تا پرولتاریا را به خواب فروبرند و با سرعت هر چه تمامتر سرمایه داری را بطور همه جانبه اعاده نمایند. هدف رویزونیستهای ارتجاعی مبارزه طبقاتی بشما به محور فعالیت حزب پرولتاریا و مطرح ساختن "چهارم رنیزاسیون" بشما به محور فعالیت حزب و دامن

کردن مبارزه طبقه کارگر است. رویزونیستهای شمار "چهارم رنیزاسیون" در می سرنگونی پرچم سرخ بودند و اینک آنان پرچم سرخ را سرنگون کرده اند.

بر پایه این مشی رویزونیستی باند تنگ هوا بر نامه اقتصادی سرمایه دارانه خود را ارائه نموده و پیگیرانه آنرا بکار بسته اند. "اجلاسیه مجلس ملی" چین که در ۶ سپتامبر سال پایان یافت گام مهمی در تمعیق خط مشی اقتصادی بورژوازی رویزونیستهای چینی برداشت. نکات اساسی این برنامه کدامند؟ رویزونیستهای چینی مانند باند خروشچف به رفوهای اقتصادی روی آوردند. آنان بر اساس این رفوهای نقشی برنامه ریزی مرکزی را نفی کرده و به بنگاههای تولیدی استقلال میدهند. در تصمیمگیریهای این اجلاسیه به صراحت مطرح میشود: کارخانه ها از این پس می توانند برای خرید مواد اولیه و هدایت تولید خود بدون رعایت معیارهای برنامه ریزی سالانه عمل کنند. بعلاوه این کارخانه ها تمام سودهای خود را به دولت پرداخت خواهند نمود. زیرا آنها بخشی از سود را در دست خود نگاه خواهند داشت و بالاخره روسای صنایع اجازه دارند به رقابت پرداخت کنند و کارگران را توسط پاداش برپایه تولید به رقابت وادارند. رویزونیستهای سه جهانی در چین سو در احاکم بر تولید نموده مدبران روسای بوروکراتها و متخصصین بورژوا را احاکم بر کارگران کرده اند و سیستم استثمار مزدوری را برقرار نموده اند. خائنین سه جهانی با نابودی دیکتاتوری پرولتاریا سیستم بانکی چین را در ارتباط مستقیم با روسای بنگاههای تولیدی قرار دادند و مسئولین رویزونیست و بوروکرات کارخانجات را تشویق کرده تا در عملیات مختلف با بانک مانند سرمایه گذاری و وام با بهره به معامله بپردازند. براین اساس بورژواهای نوین دیکتاتوری نمی بینند از دولت کمک بگیرند بعلاوه مشارکت مالی دولت در بهبود کارخانجات دیگر جانی نخواهد بود، زیرا بنگاههای باید به دولت بهره بدهند. در ضمن در زمینه کشاورزی، کمنهاج توده ای مورد نفی و انتقاد قرار گرفته و آزادی برای کشت خصوصی زمین دهقانان مورد تأکید اجلاسیه واقع شده است.

از دیگر تصمیمات حزب رویزونیست چین در این اجلاسیه عبارتند از: اعطای خود مختاری بقیه در صفحه ۱۴

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

(قسمت هفتم)

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون
تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

پیکار: رفیق روحانی، قبیل از اینکه من سؤالات خودم را در باره ملاقات شما با آیت الله خمینی، مضمون و نتایج این ملاقات در میان بگذارم، میخواهم برای اطلاع خوانندگان نشریه پیکار، از شما بخواهم تا درباره عوام ملی که موجب مسافرت شما در شهریور سال ۴۹ به خارج از کشور گردید توضیحاتی بدهید.

رفیق روحانی: همانطور که اطلاع دارید سازمان مجاهدین خلق ایران، از همان ابتدا یعنی شهریور سال ۴۴ که بنیان گرفت، ضرورت مبارزه مسلحانه و اعمال قهر انقلابی را در قبال دشمنان خلق یعنی امپریالیسم و رژیم منقور پهلوی، بعنوان یکی از اصول خدشناپذیر اعتقادی اش مورد تاکید قرار داد و توضیح این مسأله و روند ردهای و فرم‌های اصلاح طلبانه که در آن زمان از سوی حزب توده و جبهه ملی و نهضت آزادی مورد تبلیغ قرار میگرفت یکی از مضمون‌های اصلی آموزشی اعضای سازمان را تشکیل میداد. ۳ سال پس از بنیانگذاری سازمان یعنی در سال ۴۷، از جمله مباحث مهمی که در درون سازمان و در رده‌های بالایی آن به بحث گذاشته شد، برخورد مشخص با مسأله قهر در شرایط جامعه ایران و با اصطلاح تعیین خط مشی تاکتیکی بود. در همین سال وظایف بحثی متوالی و مفصل در جمع‌ها و ورده‌های بالایی سازمان، باین نتیجه رسیدیم که بهترین نحوه برخورد با دشمن و بنسب‌سوی انسانیت و سیاست آنرا مورد حمله مسلحانه قرار داد و این حملات و ضربات میبایست در شرایطی معنی شود که سازمان تا حد معین لازمی به کسب آزادی نظامی ناشی از آموخته‌ها و در عین حال دشمن کوچکترین اطلاعی از وجود سازمان، آماج دگر نظامی و برنام‌ه عملیاتی آن نداشته باشد.

من در اینجا نه فرصت آنرا دارم و نه جای آن هست که بخواهم به تقدیر و بررسی دیدگاه و بینش خرد بورژوازی آنروزمان از مسئله قهر انقلابی و مفاهم تاکتیکی و استراتژیکی آن و رابطه آن با مبارزه طبقاتی توده‌ها و سطح این مبارزه و مهمترین رهنما بطلان دیدگاه و بینش مسلحانه ایدئولوژی مذهبی و التقاطی سازمان مجاهدین بپردازم. این خود بحث جداگانه و در عین حال بسیار با اهمیت است که باید جداگانه مسود و توجیه قرار گیرد.

بهر حال، سازمان مجاهدین خلق، در آن زمان، پس از تعیین خط مشی تاکتیکی خود در همین رابطه، مسئله تدارک و آزادی نظامی را بطور فوری در دستور کار خود قرار داد و به برنام‌ه ریزی در این زمینه پرداخت. در چارچوب همین برنام‌ه قرار شد، قبیل از هر چیز با انقلابیون فلسطین و در آن زمان سازمان "الفتح" تماس گرفته شود و شرایط لازم برای آموزش نظامی عده‌ای از اعضا و کادرهای سازمان در اردوگاههای

فلسطینی فراهم گردد. اولین اقدام و کوشش جهت ارتقاء ملاقات با سازمان الفتح توسط خود من صورت گرفت و من موفق شدم در آذرماه ۴۸ در پاریس با محمود همشری "نماینده سازمان الفتح (که بعدها بدست عمل صهیونیسم در پاریس به شهادت رسید)، چندین ملاقات داشته باشم. این ملاقاتها متأسفانه بدلیل عدم پیگیری شهید محمود همشری به نتیجه قطعی نرسید و بعداً از طریق دیگری

میشد، کوشش وسیعی را برای رهایی آنها آغاز کرد و کمیته مرکزی سازمان که من نیز جزء آن بودم، طی یک نشست خودتصمیم گرفت، جمیع ویژه‌ای را باین کار اختصاص دهد و این جمع بطور مستقل در خود محل یعنی دبیر تراب آزادی زندانها را بسط و تکمیل ممکن فراهم سازد مسئولیت این جمع و فعالیت آن از طرف کمیته مرکزی سازمان مجاهدین بر عهده من گذاشته شد و من در رابطه با این مسئولیت در روز ۱ شهریور

- ماد رخلال تماسهای دایمی و در عین حال مخفی که بازندان داشتیم، از برنام‌ه استرداد مجاهدین در برنام‌ه ایران و جزئیات آن مطلع شدیم و بطور غم فرصت کوتاهی که در اختیار داشتیم (فقط ۲۰ ساعت) موفق شدیم طرح ربودن هواپیما و دو موتورهای آن را که قصد داشت مجاهدین اسیر را از دبیر به بندر عباس منتقل نماید بمورد اجرا گذاریم.
- مراقبها با راه‌ها توسط عنصر جاسوسی بنام محمود پناهی که دستیار تیمور بختیار در عراق بود و با حزب توده نیز روابط بسیار خوبی داشت و کوشیدند تا ما را باندن در عراق متقاعد کنند، اما ما که به ماهیت کثیف رژیم عراق آشنائی داشتیم، با قاطعیت تمام در برابر این کوشش توطئه‌گرانه آنها ایستادگی کردیم و برنام‌ه های پناهیان مزد و ورتراقیها را نقض بر آب ساختیم و از آنها مصرا نه و سرسختانه خواستیم که هر چه سریعتر ترتیب خروج ما را از اعراق جهت پیوستن به اردوگاههای فلسطینی فراهم کنند.

یعنی تماس با نمایندگان سازمان الفتح در قطر (از شیخ نشین های خلیج فارس) زمینسه ملاقات با اعضای رهبری این سازمان بدست آمد. این ملاقات در اوایل تابستان ۴۹ میان نمایندگان سطح بالای سازمان مجاهدین و سازمان الفتح در عمان (اردن) صورت گرفت و آنها (سازمان الفتح) تعهد هرگونه کمک نظامی را در حیطه امکانها نشان نسبت بجا پذیرا شدند. بدنبال چنین تعهد همگاری ای، تعداد قابل توجهی از اعضا و کادرهای سازمان برای گذراندن دوره آموزش به اردوگاههای فلسطینی گسیل شدند که پس از پایان دوره آموزش نظامی اکثر آنها به ایران مراجعت کردند. در همین رابطه تعدادی از اعضا و کادرهای سازمان که اکثر آنها دانشجویان بیتا زگی فارغ التحصیل شده بودند اوایل تابستان ۴۹ جهت دریافت گذرنامه و سپس پیوستن به اردوگاههای فلسطینی از طریق قاچاق از مدیسه شدند، آنها با تحمل زحمات و مشقات بسیار موفق شدند بمنوان کارگرمها چیر ایرانی، گذرنامه بگیرند، ولی درست یکروز قبل از مسافرتشان به بیروت یعنی ششم مرداد ماه ۱۳۴۹، شش نفر از آنها در بازاردی و هنگام خرید لباس توسط پلیس دبیر دستگیر و زندانی شدند.

دستگیری این افراد بلافاصله توسط یکی از اعضای سازمان که بطور تصادفی در دبیر از این جریان با خبر شده بود، به تهران اطلاع داده شد و سازمان با توجه به اهمیت حفظ جان این افراد و خطرات دیگری که از این طریق متوجه سازمان

۴۹ به دبیر مسافرت کردم و در فرصت کوتاهی این جمع با شرکت شهید رسول مشکین فام، مجاهد صادق با داد در دبیر، یک رفیق دیگر و خود من در دبیر استقرار یافت فعالیت دو ماهه این جمع در دبیر همراه با سیرکمیته‌ای که از طرف دیگر همزمان مجاهد صورت میگرفت، موجب گردید تا تمامی راههای استخلاص ۶ مجاهد زندانی مورد بررسی قرار گرفته و متناسب با شرایط و موقعیت های مختلفی که میتوانست بوجود آید، هر یک از این طرحها مورد استفاده قرار گیرد. ما در ابتدا در عین حال که شیوه‌های تعرضی و مسلحانه را مورد توجه داشتیم، مبنای کار را بر این گذاشتیم تا از طریق دخالت عناصر فلسطینی (که در مقامات دولتی دوسی کلامان مشربود) در پیرونده و موارد آنها می مجاهدین اسیر حتی الامکان از تحویل آنها به رژیم سرسپرده شاه خودداری شود. ما در این زمینه کوشش وسیعی را آغاز کردیم و به پیشرفت های زیادی هم ناائل شدیم، اما بیکباره متوجه شدیم که رژیم شاه با اطلاع یافتن از موضوع، قصد دارد هر چه سریعتر آنها را تحویل بگیرد. ما در خلال تماسهای داشمی و در عین حال مخفی ای که بازندان داشتیم، از برنام‌ه استرداد مجاهدین در بند ایران و جزئیات آن مطلع شدیم و بطور غم فرصت کوتاهی که در اختیار داشتیم (فقط ۲ ساعت)، موفق شدیم طرح ربودن هواپیما و دو موتورهای آن را که قصد داشت مجاهدین اسیر را از دبیر به بندر عباس منتقل نماید بمورد اجرا گذاریم. این ترتیب

با اجرای این طرح توسط شهید رسول مشکین فام محاصره‌های سادات در سدی و خودمن، ۶ نفر محاصره‌دانی نام‌های رفیق سیدخلیل سیداحمدان (عوفعلی) سارمان سکا در راه آزادی طبقه‌کارگر، رفیقی کاظم فیضی، رفیق محسن نجات حبیبی، رفیق حسین حوسرو، محاصره‌شده محمود ساجدی و محاصره‌موسی خیابانی، در حالیکه به شکر که هم‌ای اهریمنی ساواک گسیل می‌شدند، آزاد گردیدند و برای گذران دادن دوره آموزشی نظامی به اردوگاه‌های فلسطینی می‌فرستادند.

پیکار: رفیق! آنطور که من اطلاع دارم و فکر میکنم سرخی از مردم نیز در جریان آن قرار گرفته‌اند، مسأله شکنجه شدن شما و هم‌زمانتان توسط رژیم بعث عراق در زندان بغداد است؛ از شما میخواهم تا در این مورد اکتفا به توضیحاتی نداشته باشید.

رفیق روحانی: از همان هنگام بمباران بمباری جبهه آزادساختن ۶ محاصره‌سردرستی، کم‌وسس از ما هفت رژیم بعثی عراق و موضعگیریهایی بود که آن در قبایل نیروهای انقلابی که به طاهر در محاصره است آنها میزبان اطلاع بودیم و به همین دلیل در طرح اولیه‌ای که داشتیم، مقصد سیاسی خود را جمهوری دمکراتیک یمن (یمن) محسوب می‌کردیم و در نظر گرفته بودیم، اما این طرح دارای اشکالاتی بود، چرا که بر اساس این طرح میبایستی هوا سمانی ما در ریاض (ستودی) سوختگیری می‌کرد و اساس یک ریسک کاملاً بود و طرح ما را به احتمال زیاد دچار شکست میکرد و لذا ما نمی‌توانستیم این طرح را بپذیریم. به این ترتیب ما بوجه مدعرت پرواز هواپیماهای دوموتوره هیچ راهی جز ریسک به بغداد و وجود داشت و حتماً اطلاع دارم که طی این مسیر نیز که کوتاه‌ترین مسیر بود ۸ ساعت طول انجامید، آنها هم با مخاطر مسیری مسدود، چه در هنگام سوختگیری در فرودگاه دوحه و حرکتی در موقع محاصره هواپیماهای ما توسط جبهه‌های حاکمه کویت در آسمان این منطقه.

بهر حال اتفاقاً صله‌های از ورود به بغداد، مقامات عراقی ما را به محلی که در مسلمان و رار و دفاع قرار داشت هدایت کردند. هنوز سندسای ورود ما به این محل نگذشته بود که ما را بطور حاداً بدستی از زندانیان قدیمی بغداد دیدند و بلافاصله ما را بر سر می‌آوردند که همراه ما قاضی و سگ‌چوب، شروع کردند، آنها با شوقیه اینکه ما را می‌شناسند و نسبت به ما مشکوکند، بدترس من را به ما وارد کردند. سنوان منال، محاصره‌شهید رسول مشکین فام را با سرحد برک شکنجه کردند. محاصره‌موسی خیابانی را چندبار با شلیک گلوله در کتف و تهدید به مرگ کردند، خود ما را تا آنجا شکنجه دادند که ندیدیم در همان بغداد در بیمارستان بودم، رفیق حسن خوسرو را با عتیا به سقف آویزان کردند و در مقابل چشم من او را شکنجه دادند، رفیق کاظم

منبعها را در نیمه‌های شب آنقدر شکنجه دادند که از هوش صرفت و تن مجروح و نیمه‌جان او را به سلول می‌آوردند.

این وضع تا چند هفته بطول انجامید، تا آنکه با کوشش و بیگیری سازمان و پس از آنکه تلاش ما برای دخالت آیت‌الله خمینی به نتیجه نرسیده بود، ما سنده‌ها زمان آزادی بخش فلسطین در بغداد همراه با رفیق شراب حق شناسی، مسئولین عراقی دیدن کرده و آن‌ها در همسایگان زندان به دیدن ما آمدند و از این بعد مقامات عراقی محبوسان را عقب نشینی شده و دست از شکنجه و بدرفتاری نسبت به ما برداشتند و از این هنگام کوشیدند که با انواع حیل‌ها ما را متقاعد کنند که در همان عراق بمانیم و قبول خودشان در کنار آنها با رژیم‌ها مبارزه کنیم، عراقی‌ها را به واسطه عنصراً سوسی بنا محمود پناهیان که دستیار تیموری بخشبار در عراق بود و با حزب توده نیز روابط بسیار خوبی داشت، کوشیدند تا ما را به ماندن در عراق متقاعد کنند، اما ما که به ماهیت کثیف رژیم عراق آشنا شدیم، بی‌اطمینانیت تمام در برابر این کوشش توطئه‌گرانانه آنها ایستادگی کردیم و بر این باور بودیم که این مزدور و عراقی‌ها را نقش بر آب ساختیم و از آنها مصرا نه و سرخشان به خواستیم که هر چه سریع‌تر نسبت خروج ما را از عراق جهت پیوستن به اردوگاه‌های فلسطینی فراموش کنند.

مقامات عراقی وقتی فهمیدند که ما هیچ قیمتی حاضر نیستیم در برابر فشار و تطمیع آنها تسلیم شویم و به آنان امتیازی ندهیم، سخت ناراحت شدند و به تعاقب ما پرداختند که سرانجام توانست ما را از دست پلیس سیاسی عراق و محدودیت‌ها بیرون بیاوردند، شرط کردند که بیس اینها بنا به دستور عراق باشند و همین‌طور هم شد.

با دم‌هست که فرصت‌اطلاعات عراق بنا به سروان بیونس که مسئول بیرون‌دهی ما بود وقتی سرخشی ما را برای رفس به فلسطین دیدمشش را روی میز کوفت و گفت "پس شما بدردم نمی‌خورید!" پس از دیدار ما سنده‌ها زمان آزادی بخش و رفیق شراب، ما را، مدتی برای معالجه در یکی از بیمارستانهای نظامی بغداد بستری شدیم. بدنبال خروج از بیمارستان و قبل از پیوستن به اردوگاه‌های فلسطینی، بنا به این مزدور را به ملاقات ما آمد و کوشید تا یکبار دیگر شانس خود را بپازد و ما را بدو به ترتیب شده ما را به ماندن در عراق متقاعد کند ولی هر بار سرخست ترازی پیش با پاسخ منفی ما روبرو میشد و گفتنی است که ما آخرین درخواست او و عراقی‌ها را مبنی بر مشاهده را دست‌نویس بیونس نیز رد کردیم، و با لاجرم به دنبال فشاری که مرتباً به مقامات عراقی جهت خروج از عراق وارد می‌آوردیم و با کوشش و فعالیت دفتر شما چندگی سازمان آزادی بخش فلسطین در بغداد، موفق شدیم عراق را ترک و به اردوگاه‌های فلسطینی و سایر هم‌زمانمان که از زمینها پیش به آنجا رفته بودند، بپیوندیم.

بله، این بود بر خورد ما با رژیم عراق و برنامه

های توطئه‌گرانانه و این موضوعی انقلابی بود و جز این هم از ما انتظار نمی‌رفت و اینرا هم شما می‌دانید. رژیم جمهوری اسلامی و پیش از همه شخص آیت‌الله خمینی سزای خودی میدانند اما آنها برای مقابله با جنس توده‌ای و سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست و در جهت فریب توده‌ها می‌کوشند و دیگر نیروهای کمونیستی و انقلابی را با صلاح و وابسته به رژیم ارتجاعی عراق و آمریکا لیسماً آمریکا... قلمداد نمایند! آنها غافلند از اینکه عوام قریبی آنها تا زکی ندارند و قتل‌ها را آنها رژیم‌ها نیز در همان زمان که ما در عراق زیر شکنجه بودیم و پس از آن تا آخرین روز حکومتی ما را منجمد به ارتباط با عراق و آمریکا و نیروی مسکود، البته اکثر رژیم‌ها در این فریب‌کاریها و عوام قریبیها توانست ظرفی ببینند، اینها نیز ظرفی خواهند بست، اما شما و ما دیدیم که توده‌ها چگونه با سخ خود را به لاطلاعات رژیم‌ها دادند، بدون تردید سر نوشت اینان نیز جز این نخواهد بود!

"آدمه دارد"

بسیه از صفحه ۱۴ در چین

مالی به برخی از استانها، به رسمیت شناختن تجارت کوچک و رسمیت بخشیدن به استخر داد سرمایه‌های صادره شده یکسری از سرمایه‌داران. در این مورد رویزونیستهای خاکشن مطرح میکنند:

"از آنجا که اخیراً سپرده‌های بانکی سرمایه‌داران به آنان پس داده شده و باری بگردن‌ها شغل پرر آمد گمارده شده‌اند، بعضی‌ها تصور میکنند که سرمایه‌داران هنوز در استعمار دیگران دست دارند و قبول ندارند که طبقه‌ی سرمایه‌دار دیگر موجودیت ندارد. اینها سیاست حزب را در خریدن سرمایه‌داران درک نمی‌کنند!" (همانجا)

بدین ترتیب متوجه میشویم که بورژوازی‌های نوین سه جهانی چگونه به دست‌آورد‌های ساختمان سوسیالیسم حمله کرده و راه سرمایه‌داری را بشدت تمام تعقیب می‌نمایند. رویزونیستهای مرتجع تا آنجا به پیش رفته‌اند که وقیحانه از سرمایه‌داران قدیمی نیز تجلیل کرده و سرمایه‌های آنان را مسترد می‌سازند. آری امروز در چین بورژوازی به حاکمیت رسیده، سوسیالیسم را نابود کرده و طبقه‌کارگران استعمار نموده ولی مکارانه میگویند:

"طبقه‌ی سرمایه‌دار دیگر موجودیت ندارد!" آیا واقعاً چنین است؟

ادامه دارد



رفیقان دغدغوب

پیشنهادتان مورد توجه قرار گرفت. مبارکباد
مرا بین همیشه قرارگذاشتی منتظر نبوده است.

رفیق ب.س

تا به وقت بدستمان رسید آنچه شنودر
برخوردید سوخته در سندان و کواکب عالم
جا کجبران مفعلا سرخ سوخته ای کاملاً در س
است. ما در دو سال دیگه ۷۷ و ۷۸ سال بود
برخورد در دستگان برخورد کرده ایم. اما وقتی
آنها گدایا پدید میآید مورد توجه قرار گرفتند
سازمان در دام جنس برخورد های روسها
اروی حاسه. اسفندی گدای سوخته برخورد
سوخته ها و ارداب. عدم رعایت متالک کومسی
و برخورد جنس الصلی به سوخته ها از سوخته
لرزنگ در سندان بیپناش

رحی ارمطالت سوخته جنس سکتلات مرسوط
مسود ارضی و ارکان مرسوطه سکتلاتها
را در سکتلات بران.

موفق و پیروز باشی!

رفیق دانشجوی هوادار

تا به وقت رسید. اتفاقاً گدای سوخته که چرا
در علامت ترجمه سوخته هواداران... گفته ام
سرخ موانع ما زبان در سال حک یک مسئله
محوری است ز گدای که این در سندان درک ما
ارمن سلخ سمانه و طبقه سوخته ترا دارد.
در باج سوخته سکتلات و لا ما من نگه
سوزی نفس سوخته کشم که راه است سلخ
سرماسکتلات.

ما با مسئله حک. جنس و سنی از جنس
کومسی را بر دغا رو هم کرده است و برای در
هم بگین این سوخته که سمار ضروری است طبعنا
سرخ موانع ما زبان نفس سوخته سنی میاید.
تالنا: ما سکتلات میگوئیم سلخ عمده است.
سما سنی جنس نفس سوخته سست. در عینی
حال عمده بودی فعالیت سلخ سنی سدر و در هر
حرکت سخن بلکه بطور عمومی در رابطه سکتلات
سراط حاسه مطرح است و این خودی خود سسه
معنای آن سست که در مورد محضی فعالیت
سرخ سنی فعالیت سلخ ارجح است. ما از
سکتلات سوخته در آن مورد خودداری ما نم.
ما در و دغای کومسی!

رفیق سمد.د.ا.ت

ما به سوالها را در سوخته های بیگانه
میوای سخاوتی (ار حله در اس شماره در
سقطه را در سندان)

پیروز باشی!

رفیق ع.ب

اسفادات مورد توجه قرار گرفت و ما زمان
در اسنورد در حال اقدام است

دست را بگری می مفارم

رفیق دانشجوی عرب.ن.ک

اشفادات و سوالها ت رسید و مورد توجه
قرار گرفت.

موفق باشی!

رفیق هوادار ش.ج تهران

تا به وقت رسید و سوالها ت برخورد حوا حد

پیروز باشی!

رفیق ب.ن.د.ک.ج

در موصح و صفت سوخته در موسدای گدر
آن کار مکتبی ما می ارموسه سوار و دای واس
ساعت مکتبه که ما سوا سیم استناد لازم را ار
می ارمالی سولسرم آنگه در افنای رویرو.
سکتلات اکثریت مطالب قابل سوچی دانست.
سما نم. بعد از این گزرا سها ت را ما سما
مجن گدای در صورت لزوم سنی که از نام آن
اسی برده شود.

موفق و پیروز باشی!

رفیق ب

تا به وقت رسید. در سارهای گدای سکتلات
سندان برخورد کرده ایم. در مورد وحدت اسفلاتی
اکمون سدر در سخور در ما وضع ایسان هسین.
ما در و دغای رفیعا به!

رفیق م.م.ا.د.د.ع

ما در سکتلات سکتلات ساخت را در نوشته های دیگر
میوای سکتلاتی

ما در و دغای او ان!

رفیق س.ب

سوالها ت بدستمان رسید میوای سکتلات
سکتلات شماره ۱ که در مورد حک ایران و عراق
و ما زره سکتلات سکتلات ما سکتلات در اسن
رسیده است و در حال اسنار سکتلات ما جمع کنی.
پیروز باشی!

اشعار رسیده

رفیق ع.ا

مجموعه اشعار که فرستاده بودی با ما به
اب خطاب به مسئولین مقصد هری، دریافت کردید
در اسنار سکتلات ما سکتلات در تهران هسین که از
طری سکتلاتی برای ما میفرستد.

ما در و دغای کومسی!

رفیق کارگر.ع

ار امانان شعر "حک" رسید.

رفیق س.ب

رفیق تا به وقت رسید.

پیروز باشی!

رفیق ف.ع

سفر "ای سربا سرح" که خطاب به رفیق سربازی
بروده بودی که خاطر اتن را از جنگ کردستان
در سکتلاتی نویسد، رسید.

از رفقای هسین ما زمان که هنر را در سکتلات
طبقاتی همچون سلاح بکار میگیرند و آثارشان
را برای ما زمان فرستاده اند منتظر میکنیم و در انتظار
دریافت آنها هستیم و بهترین هسین. در شماره های
آب سکتلاتی از صفحه هری را به نشان دادن برخی
کاستی ها که در اسنار ارمالی وجود دارد و هسین د
- هائی در اسنار با راه اختصاصی خواهد داد.
پیروز باشی!

رفیق آذر از قزوین

تا به وقت بدستمان رسید. سکتلات

رفیق ه.ط

تا به وقت رسید. پیروز باشی!

سکتلاتی در مورد اسنار سوخته
های طبیعی و سوچی سکتلات سکتلات و
حروه سکتلات رسید است. ضمن تا به وقت سکتلات
سکتلات، ما سکتلات سکتلات که ما زمان در سکتلات
است ما سکتلات طبیعی و سوچی را بصورت حروه
سکتلات ما زمان کار را در مورد سکتلات سکتلات از
مطالب سکتلات کرده است.

کمکهای مالی دریافت شده

الف	ب	ج	د
۲۲۰۰	۱۸۰۰۰	۱۱۱۰۰	۶۶۵۰
۳۰	۲۲۳۰	۹۰۰۰	الف
۱۳۰۱۰	۵۵۰۰	۶۱۱۰	۱۵۰۰۰
ط	۵۵۰۰	۱۲۷۰۰	ب
۱۰۰۰۰	۱۲۸۰۰	۲۹۰۰	۶۲۰۰
ن	۱۵۵۰۰	۵۵۰۰	۹۹۰۰
۱۹۰۰۰	۸۸۰۰	۵۵۰۰	۲۶۰۰
	۱۰۰۰۰	۱۱۷۰۰	ز
			۲۲۲۰

- ۱- م. ۲۰۰۰
- ۲- الف. ب. ۶۰۰۰
- ۳- م. ج. ۲۰۰۰
- ۴- الف. م. (مقتضی) ۲۰۰۰
- ۵- تا هسین ۱۲۰۰
- ۶- ط. ز. خ. ۲۰۰۰
- ۷- ج. ح. ا. ح. ۲۰۰۰
- ۸- رفیق ع. ب. ۱۲۰۰
- ۹- رفیق ک. ر. ۸۵۵۰۰ ریال کمک مالی جدید ۵۰۰۰ ریال کمک مالی قبلی شما رسید.
- ۱۰- دور رفیق کارگر بکار سکتلات - هوادار ۱۵۰۰ ریال کمک شما رسید.
- ۱۱- کارگر میا زریا ۵۰۰۰ ریال کمک شما رسید
- ۱۲- م. سکتلات ۱۶۰۰۰۰ ریال
- ۱۳- م. سکتلات ۸۵۵۰۰۰ ریال
- ۱۴- یکی از هسین های زمان هوادار ما زمان در هوا ۳۰۰۰۰ ریال
- ۱۵- رفیق کارگر در سکتلات (سوشل) ۱۰۰۰ ریال
- ۱۶- رفیق زهدیه ت رسید.
- ۱۷- رفقای اسنار سکتلاتی دانشجویان و محصلین ایرانی هوادار ما زمان در خارج کمک مالی شما دریافت شد.
- ۱۸- ما در میا زریا ۲۰۰۰ ریال کمک مالی مربوط به ما هسین شهر پیروز رسید (ما در میا ما هسین ۱۰۰۰ ریال کمک مالی به ما زمان سکتلات).

منتشر شد:

استنصال ایذولوژیک
در مبارزه ایذولوژیک!

پیکار

نقشه راه برخورد
روشننگان
سوسال امپریالیسم

آقای چمران سهمیه اش را می خواهد!

روز چهارشنبه ۷/۲۴ حدود ۳۰۰ نفر از سازمان منقعی خدمت ۵۶ را بعنوان سهمیه ژاندارمری به اهواز منتقل میکنند. همکاران ما در اهواز بن سربازان به بادگان، دکتر چمران به همراه یک روحانی سر میرسد و میگوید که "اینجا برای من سهمیه من هستند (!) برای تربیت کماندو". در این موقع استوار ژاندارمری که برای تحویل گرفتن این سربازان بخت برگشته آمده بود، روی "سهمیه ژاندارمری" بودن سربازان تکیه میکند و لوسی آقای چمران میگوید "من عضو نوری دفاع هستم و هر چه من بگویم درست است" و بالاخره علی رغم تمایل خود سربازان، جناب چمران به "سهمیه" این میرسد! سهمیه ای که برای کشتار ارسال میشوند!

ارزش جان انسان بیشتر است یا کوشش پورده؟!!

با نگاهی آداب ان تنها دور روز در هفته (یکشنبه ها و چهارشنبه ها) باز است و به هر شخص بیش از ۳ هزار تومان پرداخت نمیکنند در این روزها تعداد زیادی از مردم جلوی بانکها صف میبندند. حقوق کارکنان بطور کامل پرداخت نمیشود و به آنها فقط ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان به عنوان مساعده میدهند. همانا کارکنان شرکت نفت و ادارات دیگر (از جمله تصفیه آب در مازندران آبادان و "گمرک" خرمشهر) بزور به سرکار خوانده میشوند. یکی از کارکنان "تصفیه آب دیری فارم" میگوید که: "منمدا شو وقتی که شرکت تعطیل است چرا ما را به آن محل خطرناک میبرند؟" (توضیح اینکه این محل در کنار رینگ العرب قرار دارد) جالب اینجاست که گاوهای شیرده شرکت نفت را از آن محل برده اند. گویا جان انسانها بر جان کمتر از گاوها ارزش دارد.

"به جبهه جنگ شتافتن" خامنه ای!!

روز پنجشنبه ۱۷ مهر ما ها منادی که مرتباً از طریق رادیو و تلویزیون، مردم را "بشوی بهشت" و "نوشیدن شربت شهادت" دعوت میکند، برای برگشتن از اهواز یک هواپیمای اختصاصی ۸ نفره را که مخصوص خاندان سلطنتی بود با تلغراف احضار میکند. یک پزشک حاضر در فرودگاه اهواز و میخواید با مرخصی مشرف به مرگی را با خود به تهران ببرد. خامنه ای ابتدا قبول میکند ولی پس از آنکه خلیان میگوید که هواپیمای ظرفیت ۹ نفر را ندارد، خامنه ای میگوید، چون با بدیا سدا را نش را همراه خودش ببرد، نمیتواند مرخصی در حال مرگ را به تهران ببرد.

خبری از اهواز

۵۹/۷/۱۹ - طی حمله عراق به زیرساختها در اهواز ۲۵ نفر کشته شده و تعدادی خانه در هم

منتخبی از اخبار جنگ

کوبیده میشود. با سدا را ن خدا انقلاب در شرایطی که اهالی خانه ها هنوز سزاوار بودند، با حمله وحشیانه خود و کشتن قتل جدا آنها بدستمال اعلامیه و کتا بهای. خدا انقلابی! میکنند. در پاسخ مردم که علت اینکارشان را میپرسیدند میگویند که میخواهیم ببینیم که اگر کسی از آنها کمونیست بود اسم شهید رویش نگذاریم.

خوش رقصی روینو نیستها و نودهنی رژیم به آنها!

مدتهاست که فریاد "ملی و خدا مهربا نیست" بودن رژیم جمهوری اسلامی، زجان روینو نیستهای "شودهای" و "فدائیان اکثریت" شنیده میشود و تاکنون با تمام قدرت به تظاهرات رژیم پرداخته اند از جمله در جنگ ما عادلانه اخیر، روینو نیستها (خانشین به طیفه کارگر شمسار دفاع از رژیم جمهوری اسلامی را داده و با این بیت خود را موظف میداند که در جنگ شرکت کنند. جریکهای "اکثریت" در هفته های اخیر مدعی از افراد خود را برای جنگ به شهر شیراز میفرستند اما تاجی توجی کاملاً ارتش و با سدا را ن مواج میشوند. نیروهای رژیم تنها هیچکس هماتکی و همگاری با آنها نمیکنند، بلکه از دادن امکانات و آذوقه سیزکوتا می میکنند و نیروهای اکثریت با این وضعیت که تنها موجب هزرفتن نیرویشان میگشت، غمناک نشینی می کنند. در ضمن حدود یکماه پیش از این ۲۵ نفر از افراد حزب بوده "مادگی خود را برای جنگ با حکومت بعث عراق اعلام میکنند و میخواید که در اختیار رسا و ارتش قرار بگیرند سپاه ایسن ۲۵ نفر را و طلب را در عملیات آمادگی مسورد تحقیر کاملاً قرار میدهند و پس از پایان عملیات آمادگی از دسترس آنها خودداری میکنند.

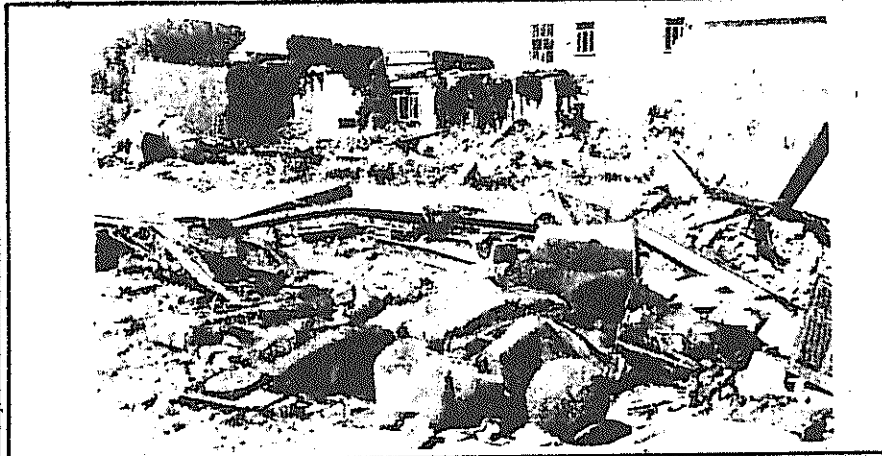
شرکت حزب ارتجاعی "دوران در جنگ"

طبق اطلاعات رسیده، حزب ارتجاعی "رتجمان" عده ای را بوسیله اسلحه و مهمات، رژیم جمهوری اسلامی، تجهیز کرده و به جبهه جنگ فرستاده است این حزب در اصفهان بین بازاریها، تفسوس زیادی دارد. عده ای از بازاریها، این شهر عضو و ادا را این حزب "سجها نی" و ارتجاعی هستند. آری، این فقط "سجها نی" ها و سایر روینو نیستها (با این خانشین به طیفه کارگر) هستند که با بسیاری رژیمهای ارتجاعی چون جمهوری اسلامی، دل بسوزانند چرا که میانشان در کوجود چنین رژیمهایی است. اینسان از سرما به دفاع میکنند و سرما به داران از اینان!

رژیم جمهوری اسلامی دوباره کودتا چنان را بکار میگرد

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ما هیت طبقاتی سرپرستان و کودتا چنان را به فعلیت فرما میخواند، و از آنها برای سرکوب زحمتکشان عراق و خلق کرد استفاده میکند. رژیم به تازگی ارتشهایی را که اخراج و با زندانی بودند و با در کودتای سنگین اخیر شرکت داشتند دوباره به کار گرفته است. افراد زیر همانهایی هستند که بقول رژیم جمهوری اسلامی بر علیه "مستضعفین" میخواستند کودتا کنند عجب! وجه شده است حالا دیگر کودتای وضد اسلامی نیستند؟! این افراد عبارتند از:

- ۱- سروان خلیان آست (این شخص کسی است که پس از قیام توسط پرسنل انقلابی ارتش تصفیه شد ولی مجدداً در حمله وحشیانه رژیم به کردستان به کار گرفته شد، این فرد جز "کسانی است که در رابطه با کودتا چنان دستگیر شده بود) ۲- سروان خلیان مهدی با ۳- سروان خلیان ناصر سوری ۴- سپهبد میخواید (پس از سرنگ کیمیا گر ۶- سرگرد سیدگلی ۷- سرگرد خلیلی ۸- سرگرد مکفی ۹- بقیه در صفحه ۳۹



بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

بقیه از منبجه اطلاعیه . . .

همزمان با پیشرفت مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان و توجه بیشتر به مروحدت جنبش کمونیستی، وحدت با رفقای انقلابیون آزادی طبقه کارگر، وحدت این رفقا و ما با سادوماخ دیگرى مواجه گشت. این مانع عبارت بود از یک گرایش "گروه گرایانه" در رفقای انقلابیون که برخسب اختلاف نظرات و ابهامات پیرامون مواضع ما و خودشان را مطلق کرده و وحدت دو گروه را موصول به حل این ابهامات و اختلاف نظرات مینمود. علیرغم توضیحات ما در آن زمان، متأسفانه این گرایش عمل نموده و وحدت دو تشکل را برای چندین ماه به عقب انداخت. در همان زمان برای ما روشن بود که این گرایش، موجب اتخرده کاری هر چه بیشتر گروه (و طبقاً ما را) فراهم میورد. و همینطور هم نشود و گروه برای مدتی حرکت خرده کارانه و استقلال گرایانه خود را ادامه داد. همزمان با برگزای کنگره دوم سازمان، ارتباط رفقای انقلابیون و ما دوباره منعسالم گشت. کنگره رفقای انقلابیون در اوخر کنگره دوم سازمان برقرار شد. بر حسب توافق طرفین رفقای سازمان در یک جلسه کنگره رفقای انقلابیون شرکت جست و آخرین مواضع و نقطه نظرات جدید سازمان را در اختیار کنگره رفقای

کمونیستها را کاهش میدهد بر اکنندگی صفوف آنها است. این پراکنندگی اگر چه در پروسه مبارزه در جهت ایجاد حزب طبقه ویا لایش جنبش از انحرافات غیر پرولتری به وحدت کامل تبدیل خواهد شد، لیکن مبارزه در جهت وحدت هر چه بیشتر صفوف کمونیستها وظیفه همه نیروهای کمونیست است. درک ضرورت فشرده تر کردن صفوف خویش در جهت با سخوئی لازم به ضروریات مبارزه طبقاً تی و تحقق آرمانهای پرولتاریا، درک ضرورت وحدت تشکیلاتی نیروهای که از نظراً اصول برنامهای (معیارهای وحدت) وحدت نظر دارند، گروه ما را طی برخوردی انتقادی به گذشته، به سمت وحدت سوق داد و بر اساس وحدت ایدئولوژیک - سیاسی روی مباحث اساسی و مشی و برنامهم کمونیستی گروه ما و سازمان پیکار و وحدت شکلاتی خویش را تحقق بخشیدند.

مرور مختصری بر گذشته گروه

پروسه شکل گیری محفل، به سالهای ۵۴-۵۲ بر میگردد. این دوران مقارن بود با حاکمیت کامل مشی چریکی. بدنبال غلبه رویزیونیسم بر احزاب کمونیست جهان، مشی آوانتوریستی چریکی در برخی کشورها سر بلند می کند و بخشی از جنبشهای نوپای کمونیستی را به انحسراف میکشاند. در ایران نیز مشی چریکی به مثابه واکنشی در مقابل رفرمیسم، انقلابیون جوان را به مدت ۸ سال دچار انحراف میسازد. در مقابل نقش فاشه این جریان، جریانات محدود دیگری شکل میگیرند که اگر چه بنف جنبه آوانتوریستی مشی چریکی می پردازند، اما به سبب جوانی و ضعف جنبش دچار انحرافات دیگری میگردند. برخی به سراشب الگوسازی از انقلاب چین در می غلطند، برخی به التقاطی از مشی چریکی و مشی سیاسی - توده ای دست میزنند و برخی دیگر به دنباله روی از اقشار عقب مانده طبقه کارگری می پردازند.

وجه مشترک تمامی این جریانات سطح نازل دانش سیاسی و عقب ماندگی مفراط ایدئولوژیک - سیاسی آنان بوده است.

محفل اولیه ما که در ارتباط با برخی جریانات فوق بوده است، زمانی آغاز به شکل گرفتن میکند که مشی چریکی به بن بست درونی خویش دچار گشته و ناتوانی خویش را در نفوذ بین طبقه و اقشار زحمتکش جامعه به معرض نمایش گذا رده بود.

بدین ترتیب محفل - با طردا شکل مبارزه چریکی - به سوی کاراگرا گرانده در مسان زحمتکشان سمتگیری میکند، لیکن درک بسیار محدود از مارکسیسم و وظایف کمونیستی، شنها در شکل با مشی چریکی مرز بندی می نماید و در

قرار دادند. این مواضع منطبق با مواضع رفقای انقلابیون بود. کنگره گروه با توجه به شناخت قبلی از سازمان، مطالعه برخی متون تصویبی کنگره و آخرین مواضعی که سازمان اتخاذ کرده بود، وحدت قوری با سازمان را در دستور کار گروه قرار داد و وحدت دو گروه بعد از چند هفته بر خورد فعال عملی شد.

وحدت با رفقای "انقلابیون آزادی طبقه کارگر" از فرآیندهای فراوانی گذشت و تجربیات و درس آموزیهای فراوانی برای دو طرف در برداشت. طی این پروسه ما دیدگاههای وحدت خود را تعمیق بخشیدیم. و به درک عینی تری از ضرورت و اهمیت وحدت جنبش کمونیستی نا ثل آمدیم و رفقا نیز با رد گرایشات اکونومیستی و گروه گرایانه ها کم بر گروه، در مجموع مبارزه ایدئولوژیک درون گروهی خویش را تعمیق بخشیدند. این وحدت که حاصل پروسه مبارزه ایدئولوژیک عمیق فی مابین ما و رفقای انقلابیون میباشد، قدمی است هر چند کوچک در جهت تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران که در عین حال تجربه آموزنده ای برای جنبش کمونیستی ایران نیز بشمار میآید. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

جامعه میا نگر شده انقلاب و ناتوانی پاسداران نظم کهن است.

رونده اعتلا یا بنده جنبش انقلابی از یک طرف و فعالیت اپوزیسیونهای ارتجاعی و رویزیونیستیهای خائض از طرف دیگر چنان شرایط پیچیده ای را بوجود آورده است که سنگین ترین وظایف و با سخوئی را از جنبش کمونیستی ایران میطلبد.

اما جنبش کمونیستی ایران که هنوز از نظر پیوند با طبقه در سطح نا زلی است، دچار رشتنت ایدئولوژیک - سیاسی و پراکنندگی تشکیلاتی است. جنبش جوان کمونیستی ما در شرایطی بسوی ایجاد حزب خویش گام برمیدارد که نهضت - های کارگری جهان اسیر رویزیونیسم - این دشمن مکار پرولتاریا است - غلبه رویزیونیسم (در اشکال گوناگون خود) طبیعتاً انعکاس خود را بر جنبش کمونیستی ایران میگذارد و آنسرا موردتهاجم ایدئولوژیک قرار میدهد و گرایشات تسلیم طلبانه و متزلزلی را که در پوشش مارکسیسم فرورفته اند تقویت می نماید. زمینه روشنفکری جنبش کمونیستی نیز اثر در مقابل این تهاجمات ایدئولوژیک آسیب پذیری نماید.

اما علیرغم تمامی این ضعفها و تنها جمات شرایط عینی رنڈا انقلاب و جنبشهای توده ای چشم انداز با شکوه و درختانی را نوید میدهد آنچه در چنین شرایطی توان و پتانسیل بالقوه

جنبش کمونیستی در دوران حساسی بسر میرود. هم اکنون حدود ۲ سال از سرنگونی رژیم سرسپرده شاه می گذرد. مبارزه عظیم و حماسه آفرین توده های زحمتکش مایسب فقدان ستاد رهبری طبقه کارگر نتوانست، به پیروزی منجر گردد. بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی توانستند به تکیه توهم توده ها بر قدرت تکیه زنند. اما تناقضات ذاتی سرمایه داری وابسته ایران چنان بحران عمیقی را بوجود آورده است که تحقق خواستهای زحمتکشان جز با رفع این بحران یعنی جزییاتا بودی سرمایه داری وابسته امکان پذیر نیست. تنها وجه جنبشهای اعتراضی و مبارزاتی توده ها پس از قیام میا نگر تعمیق مبارزه طبقه ای و سایر اعتلا یا بنده تحولات جامعه است. رژیم جمهوری اسلامی روز به روز ماهیت سرکوبگرانه و ارتجاعی خویش را آشکار میسازد و مبارزه کارگران و دهقانان و دیگر توده های عظیم خلق گسترش بیشتری مییابد. پرولتاریای ایران به رغم عدم تمرکز و ضعف آگاهی خویش به علت آنکه در مرکز بحران قرار گرفته و یک تجربه عظیم را پشت سر نهاده است از چنان پتانسیل بالقوه ای برخوردار است که در مقایسه با گذشته خویش تاکنون بی نظیر است. دهقانان و دیگر زحمتکشان جامعه نیز روز بروز به صحنه مبارزه سیاسی میایستند. مردم اقشار بیشتر سوری از توده ها از توهم بیرون می آیند و متلاطم سیاسی

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

کلیت دیدگاههای آن، اصول نظری محفل سر-
اساس مشاهده عدم کارائی و نفوذ ممتنی جریکی در
بین زحمتگشا از یکطرف و یا سیغیم محافل
روشنفکری از طرف دیگر شکل میگیرد و از آنجا که
فاقد درکی مارکسیستی بوده یعنی هر روشنفکر
و اساساً اهمیت عنصر آگاهی یعنی دانش مایل میرسد.
محفل ما شدت کار ریدی را معیار انقلابی
بودن میدانست و مبارزه با انحرافات تسلیم -
طلبانه و غیر پرولتری را در پیرویه کار ریدی می -
دید. از اینرو محفل کار ریدین کارگران ساختمانی
و کارگران معدن را در دستور کار قرار داد.

آرما نخواهی قوی و کینه عمیق طبقاتی
محفل که برنده در منشا طبقاتی رفقای محفل
داشت، تلاش خستگی ناپذیری را در جهت پیوند
با کارگران ساختمانی با عت میگردید. اما به
رغم نمانی این کوششها، فقدان زمینه عینی در
این بخش از کارگران، کار را مکرراً به شکست می-
کشاند. محفل به سبب نفی ایدئولوژی و عنصر
آگاهی بجای برخورد به سیاستها و بینشهای
خویش، عدم موفقیت را در ضعفهای خطائی عناصر
خود می جوید. و مبارزه با این ضعفها را شرط
موفقیت تلقی میکند. چنین پیرویه ای در تقسیم
قوی را در محفل بوجود آورده و خطمت گرائی را
در محفل رشد میدهد. محفل ما تا سالهای ۵۶-۵۷
به تلاشهای بی ثمر خویش ادامه داد. در این زمان
جنبش توفنده و انقلابی توده های خلق، ذهنیات
نیروهای سیاسی را در هم میریزد و محدود شده تنگ
مخالف را در مینورده. محفل ما که جدا از جوسپاسی
جامعه در میان عقب مانده ترین بخشهای کارگری
کوشش بیهوده مینمود، تا با ورنه تنها به نظاره
جنبش می برد از دو باقیامیر شکوه خلق ناگهان
بخود میاید. آرما نهیای دگم شده محفلی در مقابل
واقعیت مادی که مهربان بطل بر دیدگاهها پیش
واردمیا وردا ابتدا دست به مقاومت میزند و حتی
نفی دیدگاههای کینه زار رویزیونیستی تلقی
میکند. اما در برخورد فعال واقعیت را میپذیرد
در این زمان محفل اگر چه به نفی مشی گذشته
خویش دست میزند، اما این نفی تنها می عرصه
را در بر نمیگیرد و تنها بجای کار ریدین کارگران
ساختمانی، فعالیت در بین پرولتاریای صنعتی
در دستور کار قرار میگیرد. عقب ماندگی فکری -
تئوریک محفل کاملاً شناخته نمیگردد. مشی
شبه ناردنیکی به درکی محدود و اکتونومیستی
از وظایف تبدیل میگردد. در این زمان محفل
با چند تن از روشنفکرانی که از خارج کشور باز-
گشته بودند آشنا میگردد. این رفقا تحت تاثیر
آرما نخواهی و خطمتهای مبارزاتی محفل، بدان
می پیوندند.

این هنگام متقارن بود با روحیه وحدت -
طلبانه در سطح جنبش و تشکیل کنفرانس وحدت -
محفل نیز در صدد ارتباط با برخی نیروها بر می-
آید که تنها برخورد با رفقای پیکار ادامه مییابد.
در این زمان ترکیب جدید محفل -
کوتاهی را صرف آموزش اعضا خود میکند، لیکن

به سرعت وارد عرصه فعالیت میشود. به تریس
رفقای محفل وارد کار خاتجیات میگردند و در کنار
آن آموزش ابتدائی و پیرویه سرخورد با پیکار را
بیش میبرند. رفقای محفل به سبب پتانسیل
قوی مبارزاتی و خصلت های توده ای و کینه عمیق
طبقاتی و همچنین روحیه آرما نخواها -
فعالیت عملی خود به سرعت به موفقیت دست
مییابند. ولی محفل که همچنان اسیر خصلت -
گرائیها بود به سبب درک محدود و خویشتن از
مارکسیسم و وظایف جنبش نتوانست جایگاه خویش
را در جنبش شنا سد و وظیفه مبرم خویش که بیابست
حرکت در جهت وحدت میباید، درک نماید.

پیرویه خود بخودی برخورد با رفقای پیکار
بسررا خطرات جزئی بس از چندین ماه دچار
سن بست میگردد. علت اصلی این امر جنبش بود
که اولاً برای محفل مسئله وحدت عینی نشسته
بود و بخاطر محدودیت دید خود از اساطیر و خطمت
جنبش کمونیستی، درکی مطلق گرایانه از وحدت
داشت. بقایای بینش خطمت گرایانه گذشته
سبب میگشت که بر روی خطمتها و خصویات افراد
تا کید ورزد. موفقیتهای عملی محفلی و مقایسه
خود با دیگران در همان حیطه با عت گردیده بود
که به خود توانائی خویش پرسیا دهد و در کسبی
خود بینا نه یابد. این دوا بر معنی خطمت گرائی
و محدود نگری برخورد با زبالا و غیر وحدت طلبانه
را سبب میگشت. ریشه اصلی تمام این درکهای
انحرافی در تحلیل نهائی از آنجا ناشی میگشت
که محفل ما دید محدودی از اساطیر جنبش و درک
نازلی از وظایف گسترده جنبش کمونیستی داشت
جنبش کمونیستی را در همان محدوده فعالیت
خویش می نگریست. و موفقیتهای محدود خود را
به تمام عرصه ها تعمیم میداد.

از طرف دیگر با دید ضعفهای رفقای پیکار
نیز آشنایه کرد. این رفقا فاقد تجربه لازم در
برخورد به مخالف بودند و بطور خود بخودی در
مذاکرات شرکت می جستند، برخورد فرمالیستی
رفقا در این پیرویه اساساً از عدم توجه و کم پرسیا
دا نشان به وحدت و کار متمرکز و سنجیده روی آن
ناشی میگشت.

در این مدت محفل سرینا گسترش یافته و از
نظر کمی رشد میکند. رفقای محفل به سبب
قابلیت و خصلت های توده ای خویش نقش فعالی
در رهبری حرکت های اعتراضی کارگران ایفا
می نمایند. شرکت در رهبری اعتراضات چند
کارخانه، رهبری جنبش پیکاری و همچنین جنبش
دهقان (بطور محدود) از دستاوردهای این دوره
میباشد. گستردگی محفل، ضروریات سازماندهی
نوینی را میطلبید که در سطح سازماندهی گروهی
شکل میگیرد. در این زمان شکل، بفکر اسلام
هویت میا قصد، به این ترتیب، گروه بی آنکه
در پیرویه گذشته خویش جمع بندی همه جا نبه نماید
بدون آنکه با تحلیل از واقع جنبش وظیفه
مبرم خویش را مشخص نماید بدون آنکه چشم انداز
وحدت را دقیق کند، اعلام هویت میکند. انگیزه
این امر محدودیت کارائی و تاثیر گذاری فعالیت

رفقا بود، چرا که رفقای گروه علیرغم تلاش خستگی
ناپذیرشان از پشتوا به تبلیغات سیاسی
محروم بودند. این امر اگر چه واقعیتی را در بر
داشت اما نامی توانست برای ادامه حرکت مستقل
از دیگر نیروها کافی باشد. مگر اینکه مرز بندی -
های اساسی وجود مییابد.

در ادامه خود، گروه پیرویه مذاکرات با پیکار
را معلق نمود تا دیدگاههای خویش را تدقیق
نماید. چنین امری طبیعتاً از درک درستی ناشی
نمیشد. چرا که قطع یک پیرویه تنها در صورت مرز -
بندیهای اساسی میتواند انجام پذیرد و موقوف
کردن وحدت به یک پیرویه اساساً در صورتی، در واقع
بسیار نگر عدم حقانیت ایدئولوژیک - سیاسی
حرکت مستقل بود. البته در این زمان گروه با
درکهای راستروانه سازمان پیکار در مورد
بورژوازی و خرده بورژوازی مرفهستی اختلاف
داشت. اما نکته مهم در اینجا است که گروه بدون
مشخص کردن جایگاه اختلافات و تاثیر آن در
وحدت، پیرویه وحدت را متوقف گردانید. قایل
ذکر است که در این ایام رفقای پیکار بر خوردی
فعالیت را صلیتر با ساله وحدت مینمایند. لیکن
با فشاری غیر اصولی ما در پیرویه اتحاد جنبش
پیرویه وحدت مانع برخورد فعال در این زمینه
گشت هر چند عدم پیگیری بعدی رفقای پیکار در
به تعویق افتادن پیرویه نیز موثر بوده است.

از طرف دیگر آنچه بر حرکت مستقل ما
توانست تا تاثیر بگذارد، تحول درونی رفقای
رزمندگان بود. رزمندگان که از درگیریهای
درونی خویش سر بیرون آورده بود، حرکت فعالی
را در جهت مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش
هورت داد. مدتی گروه بر اساس ادیکالیسم
خود تحت تاثیر حرکت رزمندگان قرار گرفت و
بخصوص ترا انحرافی قطبهای ایدئولوژیک -
تشکیلاتی تا شایر منفی بر حرکت گروه بجای گذاشت.
مدتی را که گروه برای تدقیق مواضع خویش
در نظر گرفته بود، بدون یک برخورد فعال و در
پیرویه حرکات خود بخودی و عملگرائی سپسری
گشت، اگر چه در همین دوران گروه جدا قل توانست
با ترا انقلابی تشکیلات گذار و تزسکتاریستی
قطبهای ایدئولوژیک - تشکیلاتی به مرز بندی
برسد و با درکهای راست در پوشش چپ مرز بندی
کند. بخصوص گروه در ازبایی خود بدین نتیجه
رسید که موضع رزمندگان بر روی سوسیال امپر -
یا لیسم اشا عده دهنده تزلزلات رویزیونیستی
بوده و جنبش کمونیستی را در مقابل آنها جسم
ایدئولوژیک رویزیونیسم آسیب پذیر مینماید.
عدم تحرک گروه در عرصه تئوریک یا عت میشد
که به جمع بندی تجربیات مبارزاتی - کارگری
خویش کم پرسیا دهد و در مبارزه ایدئولوژیک بسر
علیه انحرافات غیر فعال بماند.

در تمام این مدت ضرورت وحدت در گروه
احساس میگردد اما بدان برخورد فعالی نمیشد
گروه در ادامه حرکت خود با زهم به گسترش حیطه های
فعالیت خود دست زد بی آنکه رابطه تحکیم و
بقیه در صفحه ۷

ملاحظات کوتاه

شیخ کمونیسم

دوشنبه شب گذشته، باز تلویزیون "ناپرهی" کرد و فیلمی دیدنی از مبارزات مردم فریقای جنوبی علیه امپریالیستها و نژادپرستان را به نمایش گذاشت. این فیلم هر چند جوانب محدودی از مبارزات حماسه آمیز قهرمانانه خلقهای تحت ستم فریقا را طی قرن بیستم نشان میدهد، ولی یک نکته بسیار ارزنده آن نمایش بود: وحشت امپریالیستها، نژادپرستان و عمال دست راست نشانده آنها از کمونیسم، ما رکن بنیاد نگسازار سوسیالیسم علمی در پیش از صدسال پیش بر بیستانی ما نیفتد نوشت:

"شبحی در اروپا (و امروز با بدبگوئی کم در سراسر جهان) در گذشت و گذار است، شیخ کمونیسم، همه نیروهای اروپای کهن برای تعقیب مقدس این شیخ متحده شده اند: پاپ و تزار، مترنخ و گیزو، اردیکا لهای فرانسه و پلیس آلمان. کجاست آن حزب ایوبزیستی که مخالفینش که بر بسند قدرت نشسته اند نام کمونیستی روی آن نگذارند؟... " از این امر دو نتیجه حاصل میشود: همه قدرتهای اروپا اکنون دیگر کمونیسم را بیستایسه قدرتی تلقی میکنند، حال تما ما وقت آن در رسیده است که کمونیستها نظرات و مقاصد و شما بیلات خویش را در برابر همه جهان نیسان آشکارا بیان دارند و در مقابل افسانه شیخ کمونیسم، ما نیفتد خود حزب را قرار دهند. سرما به داران و دشمنان طبقه کارگر در هر لباس و چهره ای که بپوشند، وحشت از آن "شیخ خواب راحت را از چشمشان میگیرد، بی جهت نیست که رژیم جمهوری اسلامی اینقدر از کمونیسم میترسد، حتی مجاهدین خلق را هم در رابطه با نزدیکی به کمونیستها اینقدر مورد حمله قرار میدهند و آنها را تحت فشار میگذارد که اول رابطه - شان را با کمونیسم مشخص کنید و کمونیستها را "نجس" بدانید تا جواب سلامتان را بدهیم! اما امروز کمونیسم دیگر شیخ نیست، واقعیت است و سرا نجا مچان سرما به داری را خواهد گرفت.

با وعده بهشت، جهنم برپا می کنند

نیروهای ضد انقلابی حاکم بر دو کشور ایران و عراق جهنمی برافروخته اند که هیبت سوزان زحمتکشان و سرمایه های ملی هر دو کشور است. گروه گروه از زنده های ستم دیده و زحمتکشان ما به این جهنم سوزان و ویران کننده گسیل میشوند و به آنها گفته میشود که به بهشت میروید، وقتی اما مجمع را می بینید که از طریق گسترده ترین

چرا همه فرماندهان ارتش "حر" اند؟! فهمید!

فهمید! به همین ترتیب تیمسار رمدانی و تیمسار رشاد و تیمسار ریاقری و سرهنگ فکوری تیمسار زهرا و تیمسار نژاد و تیمسار رفلاهی و... نیز همه "حر" است! مگر فتنه و کمونیستها و دیگر انقلابیون که چهره واقعی این فرماندهان را افشا میکردند، "ضد انقلاب" و "کافر" و "منافق"!

با این وضع مردم ما حق دارند از سران رژیم جمهوری اسلامی سوال کنند که آیا این اولاً؛ چگونه همه فرماندهان جنایتکار ارتش شاهنشاهی بکاره "حر" شده اند؟! با سایر اکر این عده "حر" میباشند چرا وقتی ما هیت آنها توسط نیروهای انقلابی افشای - نمودیم فاصله اندکی، از مناصب خود، معزول می - کردند؟!

های عربی و صهیونیستی (در فلسطین) بود که هر چه در خارج افتخاری بیارند و لیکن در داخل دستاویزی شد برای اعلام حالت فوق العاده و برقراری حکومت نظامی و قلع و قمع مخالفان. (در خارج و در میان نه چه گذشت صفحه ۴۳۱).

استفاده از فرصت خارجی برای سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیستی داخلی در ایران نیز بارها عملی شده است. مثلاً بعنوان "مبارزه با آمریکا" و یا "حمایت از فلسطین و روز قدس" به کردستان لشکرکشی میکنند، بعنوان "مقاومه با تاج و عراق" به خلق کردها حمله می نمایند، به عنوان جنگ با عراق، سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی داخلی و ایجاد جو خفقان پلیسی را در دستور میگذارند. تا دل آسوده نظام سرما به داری و استبداد با زاری نموده طبقه کارگر و بدبگو زحمتکشان را سرکوب سازند. در عراق، رژیم نوری سعید از فرصتی که شاه کردیم استفاده دیگری نیز کرد و آن اینکه افسران پر شور و مترقی نظیر عبدالکریم قاسم را بعنوان گوشت دم سوب به فلسطین فرستاد تا از "شر" آنها راحت شود.

(۲) - رجوع شونده کتاب "جنش ناسیونال - لیستهای عرب" از نشریات جنبه خلق برای آزادی فلسطین.

دستگیر شده اند میتوانستند عراق را بمباران کنند، بنی صدر از دستان کل انقلاب میخواستند که تعدادی از خلبانان کودتای را آزاد بکنند. دادستان از این کار امتناع کرده، بنی صدر پیش از ما میروید مسئله را با او در میان میگذارد امام طی نامه ای از دادستان میخواستند که آنها را آزاد کنند، بنی صدر به زندان رفته با خلبانان در مورد آزادیشان و شرکت در جنگ صحبت میکنند و سپس آنها را آزاد میکنند!

واقعاً چرا رژیم جمهوری اسلامی افسران سلطنت طلب را به خدمت میگیرد؟ زیرا همه بخشهای مدافع انقلاب دارای منافع مشترکی در برابر برتوده ها و انقلاب میباشند.

وقتی سرهنگ توکلی اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی شد و کمونیستها و نیروهای انقلابی، سابقه همکاری او با اوک و غیره را افشا کردند، بازرگان و آیت الله خمینی و دیگر قدرتمندان رژیم جمهوری اسلامی گفتند که او "حر" است و شما کمونیستها "ضد انقلاب"!

وقتی پنهان جناب بر روی آب افتاد و تیمسار قهرنی عامل معروف امپریالیسم آمریکا جای او را گرفت، با زدن مقابل افشاکری انقلابیون گفتند او نیز "حر" است! وقتی تیمسار فریبند بجای او آمد با زدن جابجایی او با استگی او به امپریالیسم آمریکا و کتاب او در تجدید نظام شاهنشاهی و بویژه رفتارها و محمدرضا شاه را افشا کردیم (پیکار ۶، مورخه ۱۴ خرداد ۵۸) گفتند این یکی نیز "حر" است و شما "ضد انقلاب" ها این را نمی -

بقیه از صفحه ۱۱ نگاهیه به...

(۲) - در دوران جمهوری اسلامی مد شده است (و این طبیعی است) که قضا یای تاریخ را از عینک فعالیت روحانیون ببینند. بارها شنیده ایم که از نقش رهبری روحانیون شیعه عراق در انقلاب ۱۹۴۸ و ۱۹۲۵ سخن میگویند. ما در جای دیگر کتابی بتفصیل بتواشیم سخن بگوئیم ولی گفتنی است که توهمات توده ها در عراق (همانند ایران) که روحانیون را برای سواری بر موج قیامیهای توده ای از خانه ها و حجره ها بیرون میاورد، جزیه سازش با ارتجاع نیانجامیده است. مثلاً در روز پس از استعفای صالح جبر، بقول تاریخ نگار: "تشکیل کابینه به سید محمد صدر (از خانواده آیت الله صدر) یکی از ناسیونالیستهای شیعه و افکار شد، گرچه نخستین جلسه هیات دولت، تلفوگرام و نهائی بیان پورتسموت را اعلام کرد ولی بحران و آشوب سراسری چندان آرامی که ما به دلگرمی زمانداران عراق با شدید پیدا نکرد. در تاریخ ۱۵ مارس بیستایسه همانند پورتسموت میان اردن و انگلیس بسته شد و این ما به دیگری برای برافروخته تر شدن آتش خشم سراسری بود. در این هنگام تنها روزنامه میدی که برای حکومت عراق پیدا شد جنگ ما دمه ۱۹۴۸ ارتش

بقیه از صفحه ۱۷ منتخبی...

سر تیب صباحت. خوب است بگوئیم سرگرد بیدگلی چه کسی است تا بیشتر او را بشناسیم: سرگرد بیدگلی کسی است که او بیسی جلاد را با هوای بیامی اف - ۵ از ایران فراری داد و به اسرائیل رسانید.

آزادی خلبانان کودتایچی یکی دیگر از خیرات جنگ

در هنگام حمله همه جانبه هوایی عراق به ایران، بنی صدر به نیروی هوایی رفته است تا نیروها را ارزیابی کند در آنجا به او گفته میشود که تنها خلبانانی که در رابطه با کودتای

ملاحظات کوتاه

وسائل تبلیغاتی آنچنان تهییج کننده، توده های تومهمه را به بیانه شهادت به کام مسرک میفرستد، وقتی هاشمی رفسنجانی را میبینی که مردم را به امید اینکه در آینده به زیارت کربلا خواهند رفت تشویق به تحمل مماثلت طاقت فرسا و مرگ و باطلاح شهادت میکنند و به مسلخ میفرستد و... چراغی ندارد در آنجا که از اینهمه سوء استفاده که از احساسات ما دقانه و انقلابی توده ها علیه منافع واقعی شان انجام میشود احساس نفرت کنی و با توده های زحمتکش و کارگر و آرمای نهضت انقلابی آنان بیمان بپندی که دشمنان آنانرا در هر لباس و چهره ای که باشد فشا کنی و در مبارزه قاطعانه با آنها لحظه ای تردید روانداری

صفحه کشف خانه های تیمی!

صفحه فروشیها "از بركت انقلاب اسلامی" تعطیل شده اما یک صفحه را که پرویز نایبی خا شن بدان بسیار علاقمند بود هنوز طرفداران زیادی دارد. با دقتان هست هر از چند وقت "مقام منیتی" میا مدیست تلویزیون و از کشف خانه های تیمی و "ورا بطنه ما مشروع" و منطقی شدن یک گروه کمونیستی و تروریستی "حرف میزد و عکس و تفصیلات تکراری را در روزنامه ها می آوردند. آن "صفحه" آنقدر تکرار شده بود که دیگر چندان آوریود بالا هم در روزنامه ها هر چند روز همان صفحه را با مارک جمهوری اسلامی پیش چشممان میگذارند که:

یک خانه تیمی کشف شده است و در آن مشیل قوطی عطاری همه چیز را یافته اند از علامیه های فدائیان و مجاهدین بگیر تا نشریات کمونیستی پیکا و کومله و دمکرات و عکسهای شاه و فسرج (ژدالت را ببینید!) و بالاخره دختر و پسر در آنجا بوده اند و قرص ضد استی و...! همین و "صفحه" تما می شود.

و تو تعجب میکنی که چرا از این دروغهای گویلی بیشترنیافته اند؟ میگویند یکی کسه حرف حساب میزد چند کلمه گفت و ساکت شد و دومی که دروغ میگفت پس از مدتی و راجی خسته شد و ایستا دوطرفی به ادب گفت اولی که حرف حساب داشت حق داشت ساکت شود اما تو چرا ساکت شدی؟! آقا یان! اگر نایبی از این دروغها طرفی بست شما هم می بینید!



ایران و عراق توسط عراق شعلیل شدیا دکرده - ایدولی نوشته ایدکه چه کسان در ایجاد و اداره این رادیوهای مخفی نقش اساسی و فعیال داشتند، آیا آنها جز رفقای ما بودند؟ این را هم نگفته اید که زمانیکه رفقای ما در زندان بغداد شکنجه می شدند (رجوع خود به صحیفه ما حیه با رفیق حسین روحانی)، زمانیکه رفقای ما بدفعالیت انقلابی و مخفی خود در زیر پوشش های مختلف منجمله در پوشش فدائی فلسطینی در عراق هم علیه رژیم شاه و علیه همین رژیم بعثی عراق مشغول بودند شما چه میکردید؟ مسارزه انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع در ایران و در دیگر کشورهای منطقه برای ما امر تازه ای نیست، ما بقه سابقان داریم.

در آخر مسرفا لکذائی اطلاعات، با ارائه درک تخریب شده ای از "جنگ داخلی" به ما حمله کرده و آنرا "دم خروبن" نامیده است، ما بطورکسه ما با رها توضیح داده ایم، منظور ما از جنگ داخلی نه آنطور که شما میخواستید، بمعنی برادر کسی، بلکه دقیقاً بمعنی جنگ عادلانه زحمکشان و ستم دیدگان یک کشور علیه سرمایه داران و نیروه های فدا نقلاب خودی است، جنگ در چین، روسیه، نیگاراگوئه... جنگ داخلی است، ما شما ر جنگ داخلی را بعنوان یک شعار استراتژیستیک در تروابطی که موقعیت که انقلابی فراهم باشد، نه امروز، مطرح میکنیم، آنچه منظور ما است تدارک برای چنان جنگی است و از طرح این شعار، نه تنها ابائی نداریم، بلکه آنرا وظیفه انقلابی خوبی میدانیم، شعار "برقراری دیموکراسی دمکراتیک خلق که از پیش از قیام و بعد از آن مطرح کرده ایم جز بمعنی مبارزه انقلابی زحمت کشان برهبری طبقه کارگر در راه ایجاد آن جمهوری نیست.

روند مبارزه طبقه ای که مسلماً به پیروزی طبقه کارگر خواهد انجامید نشان خواهد داد که "آمریکا بی" چه کسان هستند؛ ما با زهم تکرار میکنیم که مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست!



بقیه از صفحه ۱۰ پاسخی... از طریق دادن زدن به اختلافات قرون وسطایی مذهبی و فروختن جنگهای ملی، بلکه از طریق حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان عراق و نمایندگان سیاسی آنهاست.

شما وقیحا نه نوشته اید که ما بطرف جنگ را یعنی ایران را محکوم کرده ایم (۱) در صورتیکه موضع انقلابی ما علیه رژیم بعثی و ضد خلقی عراق به از امروز بلکه از سال ۵۴ و ۵۵ در سطح منطقه خاور میانه پختی شده است، ما تنها نیسروی سیاسی ایرانی بودیم که در باره اختلافات ایران و عراق و محکوم کردن رژیمهای شاه و صدام حسین نه تنها به زبان فارسی بلکه به عربی نیز کتاب منتشر کردیم، کاری که بسیاری از نیروهای مبارز منطقه عربی جراتش را ندارند ماسرکوب خلق کرد در عراق، اخراج فاشیستی هزاران نفر از ایران، نیا ن مقیم عراق که در سالهای گذشته وجهه در دوره اخیر را همواره محکوم کرده ایم، ما طی همین جنگ اخیری دو تراکت به زبان عربی از سر بازان و از حمتکشان عراقی خواستیم که سلاحهای خود را به بر روی زحمتکشان ایرانی بلکه علیه رژیم بعث ارتجاعی بغداد بیکسند، بدنیست جدا قیل به ورق یاره "بیام جمع" که حالا بجای "منافسی" از سوی حزب جمهوری اسلامی منتشر میشود نگاه کنید تا در شماره ۱۵ مهر آن تراکت ما خطاب به "سربازان درجه داران و افسران انقلابی و میهن پرستان عراق" را که آنان را دعوت به قطع این جنگ غیر عادلانه و تبدیل آن به حک علیه ارتجاع حاکم بر عراق می نمایم ببینید! این شما هستید که با اصطلاح "مبارزه علیه رژیم صدام" را با حرکت از بعثی و "گافز بودن او و از موضعی ارتجاعی در این اواخر شروع کردید، این شما هستید که چون دستتان به خون خلق کرد آغشته است در برابر آنچه جنایات بی حساب رژیم عراق علیه خلق کرد در آن کشور سکوت کرده اید.

شما از تعطیل رادیوهای میهن پرستان، سر و سر و روحا نیت مبارزه در سالهای گذشته علیه رژیم شاه و فعالیت میکرد و پس از قرا داد بپس

بقیه از صفحه ۲۲ سفر...

دست بشوید، اما بخصوص در سطح رهبری حزب آزادی گروگانها مورد تصویب قرار خواهد گرفت) واقعاً نشان میدهد که هر چند امپریالیسم آمریکا می کوشد از این جنگ در جهت تضعیف جناحی از رژیم بهره گیری نماید، ولی در عین حال عالمی برای عادی کردن روابط با امپریالیسم خرید سلاحها، قرار دادهای بیشتر اسارتسبار اقتصاد و نظامی و... نخواهد بود، سخنان هفته پیش رهبری آمریکا و سخنان متقابل رجانسی این واقعیت را تا شیدی کند، اگر چه دشمن غیر مترقیه دیگری رخ ندهد، جنگ غیر عادلانه کنونی فرصت مناسبی به رژیم میدهد که برای عادی کردن روابط با آمریکا، گروگانها را آزاد کند.

بقیه از صفحه ۸ لهستان...

دیگراست، بدین لحاظ اگر نیروهای کمونیستی لهستان فعالیت سیاسی و سازمانی خود را در میان کارگران گسترش ندهند، اگر آنسنان بورژوازی، حزب و دولت حاکم را وسیا افشا نکنند و در جهت سرنگونی آن فعالیت پیگیر نکنند اگر کوششهای بورژوا، لیبرالها و مرتجعین مذهبی را رسوا سازند، و اگر سوسیال امپریالیسم روس و امپریالیستهای غربی، رویزونیستهای چینی را برملا نکنند، مبارزات پرولتاریای لهستان به انحراف کامل درخواهد غلظت یسد، کمونیستهای لهستان با دید کوشند تا جنبش کارگری را بزبر رهبری خود در آورند، این است تضمین پیروزی پرولتاریای لهستان در مبارزه علیه بورژوازی حاکم.

سقبه از صفحه ۲۴ مصفوفه...

در حرف بوده با... عمل؟ شما شما پشاهی دروغین
فدا میریبا لیستی بعثیها را میبینید، نمایندهای
که سبیا رترو مطراق ترا شما پشاهی خودنسان
بوده است (تسلیمات بیرو صدا برای فلسطینها،
دادن رادوبه محالفین رژیم آمریکا شی شاه
تشکیل حبهه ما مصلاح فدا میریبا لیستی و...)
اما "دروشی شعار و عمل" خودتان را میپوشا نید!
بنجاره رژیم! آتھنکا مکه با دکنگ مبارزه
با امیربا لیسم را میگرد، نمیدانست که
هنگام آزادی آنها، این با دکنگ می ترکند،
توکیدن این با دکنگ نه تنها رژیم بلکه
روبرویونینهای خاشن بوده ای سه جانی ر
اکثریت فدائی را نیز رسوا میکنند و پسرده از
گرایشات روبرویونینی، نیروهای چسبون
رزمندگان نیز میریدارده که این با دکنگ را
مما رزه فدا میریبا لیستی دیده بودند و پشت این
با دکنگ، تلاش رژیم را برای تثبیت سرما بسه
داری وابسته، فریب توده ها و دامن زدن بسه
توهمشان منحرف کردن ذهن توده ها از مبارزه
فدا میریبا لیستی و کسب آما دگی بیشتر برای
سرکوب انقلاب را نمی دیدند.

سوم - اعلام آمادگی دو طرف برای نمایش

اگر چه شروع نمایش فقط بکطرف (حزب
جمهوری) تمایل داشت، اکنون برای با یسان
دادن آن هر دو طرف اعلام آمادگی میکنند!
اعلان رفتن رجائی به نیویورک، خود چراغ سبزی
بسها امیربا لیسم آمریکا برای آزادی گروگان
- ها بود. مسئله گروگانها که از طرف از موضعی
انقلابی ایجا د نشده بود، از طرف دیگر برای
آمریکا نیز زیبا دخواست بودند حزب جمهوری
کوشیده بود از مسئله گروگانها برای تقویت
خوبین در هئیت حاکمه استفاده کند و توده ها را
بفریبید اگر چه از این لحاظ بسود جتاجی از رژیم
جمهوری اسلامی بود، اما بی آنکه خود بخواهد
با زسازی کا مل و همه جا شبهه سرما به داری وابسته
را دجا ر مشکلاتی مساخت، امیربا لیسم آمریکا
ولیرا لبا بغا طراین مشکلات آن را درست نمی-
دا نستند، در حالیکه جتاج حزب جمهوری برای
تقویت موضع خود آن را لازم میدانست، اما اکنون
حزب جمهوری نیز که استفاده تسلیماتی خود را
از آن به اندازه کافی کرده است، خود را آماده
میکند به مسئله خاشتمه دهد، چرا که مسئله تحریم
اقتصادی و شیوا حجاج سه و ما ثل بدکی و تسلیمات
جنگی برای مقابله با عراق در سیستم اقتصادی
وابسته ایران، مسائل بی اهمیتی نیستند و
حزب جمهوری نیز که ما نند لیبرالها در جهت
با زسازی کا مل سیستم سرما به داری وابسته
میکوشد، نمیتواند نسبت بدان بی توجه باشد.
چنین است که آقای کارتر، ماسکی، برزیلنکی و
خالصه همه گله کننده های "امیربا لیسم آمریکا در
هنگام رفتن رجائی به نیویورک، برای نشان
دادن محبت خود به رژیم جمهوری اسلامی، تا آنجا
میروند که عملا در جنگ ایران و عراق به حمایت

از رژیم ایران سرمایه خیرند، آنها عراق را متجاوز
مینامند و اخطار میکنند که از ضامنیت ارضی
ایران حمایت کرده، تحریم آن را تحمل نخواهند
کرد. آنها آما دگی خود را برای انواع کمکهای
تسلیماتی... برای جنگ ایران را داشته و آنرا
مشروط به آزادی گروگانها میکنند و در نقطه
قابل آقای رجائی نیز حل مسئله گروگانها را
را به آمریکا توید میدود و سخنان آشتی جویانه
و ملاطفت آمیز بر زبان میاورد، رجائی در
مصاحبه مطبوعاتی در نیویورک میگوید:
"فکر میکنم که دولت آمریکا با همه این نظوری
که تظا هره آما دگی برای حل مسئله کرده
است، در نظر داشته باشد که برای یکبار هم
شده به تعهدات انسانی خویش خاشتمه عمل
بپوشاند... میدوارم در مقابل حرکات
انسانی نمایندگان محاسن شورای اسلامی
ایران، دولت آمریکا تعهداتی را که هم
اکنون برای انجام آنها اعلام آمادگی می
میکند، فراموش نکنند." (اطلاعات ۲۷ مهر)
رجائی آزادی گروگانها را با زیبان
دیلوما تیک حرکات انسانی نام مینماید و در
همین مصاحبه میگوید: "مجلس شورای اسلامی
با درک کامل نسبت به احساس خاشتمه های این
زندانیان "مسئله را دنبال میکند.

پس از آنکه رجائی به ایران بر میگردد نیز
قول و قرارها تکرار میشود، او در مصاحبه اخیر
خود در ایران آزادی گروگانها را بطور عریسان
وعده میدهد، منتها قسم میخورد که ربطی به مسئله
خرید و ساتل بدکی ندارد (که به زیبان دیپلماتیک
یعنی دارد!) و میگوید:
"آزادی گروگانها ربطی به جنگ و سوا ثل
و قطعات بدکی ندارد... ما گروگانها را
مساله نمیدانیم و برای ما مسئله نیست و
اکنون نیز در حال حلش هستیم... ما بسه
نتیجه ای که از گروگانگیری انتظار
دا شتیم رسیدیم..." (کیهان ۳۰ مهر تا کید
آزماست)

پس آنهمه تسلیمات منتهی بر ما که آمریکا
اعدام جاسوسها و... کجا رفت؟ آری، با دکنگ
دارد مشترک!

چهارم - اول نمایش: شیطان بزرگ،
آخر نمایش: تکامل معنوی

هنگام گرفتن سفارت خاشتمه نشان هست، بسه
آمریکا جهنی گفتند، حالا گوش کنید آقای رجائی
سخن از حسن نیست و تکامل معنوی امیربا لیسم
میگوید:
"من این مطلب آخر را بعنوان نشان دادن
آنا رحمن نیست دولت آمریکا در زمینه حل
مسئله بحران سین دولت آمریکا و مسردم
ایران میدانم." (اطلاعات ۲۷ مهر)
آقای "فدا میریبا لیست" بحران در لیست
آمریکا و مردم ایران معظا با نا بودی امیربا لیسم
حل میشود، امیربا لیسم نمی تواند ضمن نیست

دا شده باشد، شما که تا دیروز برای قرب مردم از
شیطان بزرگ محبت میکردید، امروز شروع بسه
تسلیمات میریبا لیسم کرده برای این شیطان حسن
نیت خاشتمه میشود! شرم آور ترا این مسئله
توبه امیربا لیسم است آقای رجائی سخت وریر
"فدا میریبا لیست" میگوید:

"اجرای این شرط (یعنی عذر خواهی آمریکا
- پیکار) به علت اساسی بودی، بندتتها
ساده ترا سا سر شرایط شده است، بلکه
میتواند بسنخوان یک قدم برای جلوگیری از
نخا و زدر آینده تلقی شود به اعتقاد ما بسکی
از مراحل توبه که سنا نهنگا مل معنوی یک
دولت می تواند سنا تلقی خواهد شد."

(اطلاعات ۲۷ مهر)
پس اول امیربا لیسم آمریکا، شرابطبی
را که انسانی تراست سده تر میسرود، سنا سنا
اکرا میریبا لیسم عذر خواهی کرد، این یک قدم
برای جلوگیری از نخا و زدر آینده است (با تگار
امیربا لیسم قول و قسم می فهمد که چیست؟)
ثالثا و از همه مهمتر امیربا لیسم میتواند توبه
کند و بسه تکامل معنوی دست یابد!

واقعا که آقای رجائی خلی فدا امیربا لیست
است! امیربا لیستی که آقای رجائی تعریف
میکند انسانی است، تکامل پیدا میکند و اگر
قول بدهد گاریدی انجا نمی دهد! اما خبر
آقای رجائی، توده های ما را نمی توانی فریب
بدهی خون هزاران شهید میهن ما ارسا نگشسان
این امیربا لیسم "انسانی" آمریکا می جکد و
رنج و اشتما ر و فقر رحمتگشان میهن ما و
میلیونها تن در سراسر جهان ناشی از ما هیست
کشتیف این امیربا لیسم خونخوار است، در ذات
امیربا لیسم تجا و زتفه است امیربا لیسم اگر
توبه کند، میسیرد، آش آنقدر شور بود که حتی
لیبرالهای شی از قماش بزیدی و دما دس نبرسه
آقای رجائی در مورد امیربا لیسم درس میدهند،
لیبرالها به رجائی میگویند توبه گریگ مسرک
است، آقای رجائی آنقدر در تعلق گویی بسه
امیربا لیسم جلورفت که به لیبرالها جهست
عوا مغربی بیشترا مکان مخالفت خوانی داد،
حزب جمهوری اسلامی و نمایندگان مجلس مسافرت
رجائی و آستا نبوسی امیربا لیسم را نقد بسر
کردند و نشان دادند که پشت سر این سخنان رجائی
ایستاده اند.

کلام آخر جنگ، جمهوری اسلامی و

امیربا لیسم را پیش از پیش بهم جوش میدهد
با بددانت گذشته و تمایل عمومی رژیم
به آزادی گروگانها که در چهار شرط نازل آت -
الله خمینی نیز مشهود بود، جنگ این مسئله را
تسریع بخشیده است. (با بددانت که احتمالا
جتاجی از حزب جمهوری اسلامی گما کان بر قدم
آزادی گروگانها فشاری خواهد کرد، چرا که
حاضر نخواهند شد هنوز هم از این کالای نوحه آور
سقبه در صفحه ۲۴

بقیه از صفحه ۲۴ **شهادت** ...

آیت الله خمینی در ۸ مهر من حملندند
زحمتگان خرمشهر که نموجوا شدند در حجت با
عا دلانه کنونی و در راه منافع سرماهداران دو
کشور کشته شوند، به کاسی کددر را در داغ ارمنا مع
رژیم کشته میشود، و ندیب هند هود بوده ها را
به شهادت دعوت میکند. آیت الله مستطری، حزب
جمهوری اسلامی، رحانی، بسی مدر، منکسسی،
خلخاللی، غفاری، سما بندگان و مجلس و ... خلاصه
همه دست اندر کاران رژیم، سودهای مارکسه
شهادت در راه جمهوری اسلامی فرامیجو ننند.
فلسفی واعظ خود فروخته زمان شاه با تک از فیض
بهت برای شهیدان منافع رژیم سخن منگوید.
واعظان، خطیبان، روزنامه های وابسته و رادیو
تلویزیون کوی سبقت را در تبلیغ شهادت از
بگذر کرده اند. روبرو نیستیهای این نوکران
سرماهداری سزدراین را، کوتاهی نمیکنند و
از سروا م مردم گرفته تا کار (اکثر بیست)
سودها را به مردن یا به اصطلاح شهید شدن
دعوت میکنند. آقای خامنای سرماهد دیگر
سردمداران رژیم، خارج ار کوداستان دهویسرای
سوده ها تبلیغ مردن در راه منافع سرماهداران
را میکند و دیگر همیالکی جایش که با شمسام
قدرت به حفظ زندگی وجا هومنا متان چسبیده اند
سخنهاید را برای دیگران می پیچند، او در
ساز جمله ۲۵ مهر خود منگوید:

پراداران و خواهران من، شهادت اجرومزد
جهاد است، جدای مثال ساجسه است
جهاد کنیید و جهاد کنی دثوار است، در او
بختی است، در او رنج است پیرایشان مجاهد
رنج لرا وائی پیرودوبدا جریزورکی هم
بگیرد، اجر بزرگ ماهدان در راه سهدا
شهادت است هیچ اجری بالاتر از شهادت و
کسندن در راه حجت است. (صح آزادگان
۲۶ مهر ۵۹)

را دورا که با رنگی، سلیم مردن است،
زورنا مدعا را که صحوای، خیراتیها را که کوس
منکی، همه مردم را در رفتن به آن دسا و رار
نهد دعوت میکند، اما واقعیت چیست؟ در
بنام مثال سخنان خامنای ها که اموات معص
طبیعتی قرار دارد؟

واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی و
رژیم عراق برای منافع خود جنگ راه انداخته اند
یکی با حمایت از راه روسته آمریکا شی بارانی
وقیاد ه موقت و گروههای مرتبط با سیا، جیون
حزب الدعوه و احوان المسلمین و ... برای رژیم
دیگری اسخا داخل میکند و دیگری از طرف و
اویسی و بیخیار حمایت میکند با بهر صورت سا
زیرفشار گذاردن رژیم، امسازات مرزی در حجت
ساختن با اصطلاح عراقی سزرک بگیری، اسهداف
توسعه طلبان به بورژوازی دو کشور، یکی ایجاد
"اتحاد جماهیر اسلامی" و دیگری ایجاد "عسراق
بزرگ" از سکو سوما مع امیریا لیستیها برای بدل
کردن این منطقه با زار مناسی برای فروش
سلاحها و با سسر موسسات اقتصادی تخریب شده

نویس چنگ و بهر صورت، افزایش بیانی و بسنگی
کمونی دو کشور به امیریا لیم و سوپیا ل امیر -
یا لیم زوی دیگر، آتش جنگی را برافروخته
است که شنها زحمتگان ما در آن میان کساست
میشوند.



ما کمونیستیا، سرگ و شها دث - سر -
خدمتسبون شهادی، گوسند و سمام - لاسوس -
کاموج و جی و آل سائی و کرده و ... در سیدهای
آزاد بینحسان سکرید، سلبوسها سید کوسسب
اتخا سووری اسالی را بر علیه فاسد در حجت
دوم جیاسی سسسد، سدھا سهد کتوسسب را در
ایران در سیدر علسا مه در سوپیا د آورد، جم -
اکتون بیسده که در کردسان، دانسا دودر همه
جای میهن چکوه کوسسبها سرفرازان در راه
منافع توده ها شهید میشود، منسها مرگ کوسسبها
ونیسروهای انقلابی در راه اتا بودی امیریا لیم
وستمر ما به داری است، در حالیکه مرکی کسه
رژیم سوندھا راه آن فرامیخواند و شهادت نام
میگذار و ان راه دکانی پردر آمد برای خود
تبدیل کرده است، در حجت منافع سرماهداران
است. ما میکوشیم سرمان با دکه در ایسن ۲۰
ماه، مرگ و گستاخ برای زحمتگان مسا
به رفغان آورده اید، و با زهم توده ها راه مردن
در راه منافع سرماهداری فرامیخوانید! ما
میکوشیم شهادت در راه ما امیریا لیم و
سرماهداری اقتضای است، اما سرمان سا دکنه
براجا دهفتا دها رشید بر افشار سردت ساد
مردوریا گذاشتید، بعد در خریدید و هم کسبون
برای منافع سرماهداران، مرکز و مناسی برای
زحمتگان ما هدیه آورده اید!



اما رژیم شنها نموجوا هدر زحمتگان ما را در
جبهه ها به کشتن بدهد، او مسجوا هدر زحمتگان ما
در شیرها سبزدوز بر مسما را بها کسه سوید، برای
آنها جان زحمتگان مائی او را س است.

رژیمهای انگد کوشند، زحمتگان و مردم
غیر نظامی را از سررس کلوله ها در مان دارد،
بر اساس منافع طبقات سس بوده ها راه حضور در
ابین تیروس دعوت میکنند و نسی بوده های -
خواهند به کوسند موب ارمنا مع بدل سوسسد،
شروع به عرسده کی سر نلد زحمتگان میکند،
معلوم نیست توده ها در سزها سما سده که در کسند؟
کنندوند؟! آری رژیم همین سدر اسسرای
زحمتگان ما که از اس حجت سرفرازدوان را از
خود سمداسد، دارد، او سا مسجوا هدر زحمتگان
در ارسن او با سوسی کنند و در حجه ها کسه سوید و
با در زبر مسما زان بعیرید و جی مسجوا هسد
زمان و کودگان سر سزر بر سزرگ کنند! رژیم
با سمام قدرت بر علیه کوچ زحمتگان ارمنا مع
حجت رده سلیم میکند، ساد است اسجوا ر
اعلامیه سنا اعلامیه سده که سنا سرفرا سنان از
شهر چنین وجان خواه ذکره، اسناداری خوزسان
با انتشار اعلامیه ای از کلیه ادارات و موسسات

دولتی مسجوا هدهک:

همه روز نیست حضور و غیاب کارکنان خود
را در پایان وقت اداری به استانستاری
ارسال کنند، و به کارکنان اخطار میکند،
در صورت عدم حضور در ادارات مر سو طدر اسر
خراب زمان حجت با آنها زار سوید،
شهرات ۱۲ مهر ۵۹

آسوری و سورس بیلمن را با زور برداشتن
خانان اراد اس امور میگا سدنا سلسلا را اسات
سد زب رسعی ها سسد، اساسسرداری
سو سسر سزا رسما سائی جور سائی اس عسب -
سد سدر سوا رس تا سوسی زمان جگ را سرح
کار سدا س ما س میکند، (جمهوری اسلامی ۲۶ مهر)
اما من حجت سزار آت الله سد سب در سنا زحمتنه
سکاسی کدر سراس سائی های دولسهای ارمنا معی
اسران و عراق دا ر و سدر جود را راه کرده سوید
سزار کوچ کرده اند، رسا سس سسها را داده
وا ر مردم سزار و سجاد سسر سده که سسر روی
رمان اس کوچ کنندگان س کند! اسسناد
سناداران سزار سطر پی اطلاعهایهائی مردم حجت
- رده حوب را که خا فریسن سوز سوس دم سسرت
جمهوری اسلامی سوید، "وطن تر و سان سدر
و سون سحم سمن و ساعد سرائکی س سس
سر سب مرگ سبف در مناطق حوب سزرگ
ساده است، او در اطلاعسان مردمی را کدر
ورستی خود را راه کرده و او در سزها و روید س
کسناد، سدا سسلات مسجوا سد، در اس اسسد
آمده است کدا کرکی سحل خدمت خود را سزرگ
کند، اس عمل سسرلدا سسقی سطنی سواد سد و
جسین کسائی مسمول ستررا سرامان حجت سواد
سد.

سرای موروزاری جان مردم سسری ررس
ندارد، از سدان زحمتگان سوا اس سوسد
کدیرو لیسنا ترا سوز سد سس اسسما رسان
حجت سرما سداداران سو سوز سده سسک سسر
اس زحمتگان سس سس سده سس کدیرو سد
سوت بدل سوید.

آری رسما سسری اسلامی سس سس سس سس
زحمتگان ... سو سوز سد سس سس سس
سنگداز سزرگ رسنگن سسر سسوان سس سس
سرای سس سس زار خود سو سد سس سس.

سرای رسما سس سس سس سس سس سس سس سس
سلس سس سس سس اس زحمتگان کوسهای
دم سوب حوسی سسده کدا سدھا سس سسده های
سهدا و ... سس سس دادا، اما اگر سوا سد
در راه منافع سرماهداران سس سس سس سسلات
و سوز سسک سس سس.

سراس کس سس سس سس سس سس سس سس
سرای رسما سس سس سس سس سس سس سس سس
اسا

سراس سس سس سس زحمتگان
زوری سس سس

سفر رجائی به نیویورک

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

وعده پایان پرده اول نمایش ضد امپریالیسم

اول شرکت در شورای امنیت

آقای رجائی نخست وزیر مکتبی، خط امام و به اعتبار رژیم و ریزبونیست‌ها "فدامیرالیست" به نیویورک سفر کرده تا در اجلاس شورای امنیت شرکت کند.

رادپو - تلویزیون و مطبوعات وابسته با بوق و کرنای تبلیغاتی این مسئله را منعکس کرده و هیچ بروی خودتیا وردند که چگونه شرکت در اجلاس شورای امنیت را در گذشته رادپو - تلویزیون و مطبوعات زیر سیطره حزب جمهوری اسلامی سیاست سازش با امپریالیسم و لیبرالیسم نامنها ده بودند!

آقای رجائی نخست وزیر "منتخب همان جزئی است که هنگام ورود و اندام بهم، رئیس سازمان "دول متحد" به ایران، عکس دیدار این دلال امپریالیسم را با ناله و فرج انداخته و شورای امنیت را فاقد هرگونه ارزشی دانسته، عدم شرکت خود را در این "ارگان زیر سلطه امپریالیست" یکی از مزارات بزرگ علیه امپریالیسم قلمداد کرده بودند البته آقای رجائی که جا روح حال های مخالفت با شورای امنیت را با طرداشت، برای بیگناهان ظاهرا مریه شورای امنیت انتقاد کرد و گفت که برای رساندن ندای مظلومیت ملت ایران بگوش مردم دنیا به آنجا رفته است. اما یک سوال، البته این عوام فریب را روی آب میآورد. چرا در جریان سفارت برای رساندن ندای مظلومیت ملت ایران به شورای امنیت نیامدید. اگر آمدستان به شورای امنیت هدفی جز رساندن ندای مظلومیت به گوش مردم دنیا نداشت، پس چرا خود را از این "تربیبون" در آشفنگ ما محروم ساختید. چرا بنی صدر که با سیاست آمدن به شورای امنیت، پیوست وزارت خارجه را پذیرفته بود، پس از دوسه روز جای خود را به قطب زاده داوطلبندگوهاسای تبلیغاتی رژیم شرکت در شورای امنیت را سازش با امپریالیسم قلمداد کرد. نه این حرفها بهانه است!

شما آن بار در شورای امنیت شرکت نکردید، چرا که این امر از معنای نمایش ضد امپریالیستی تان

بود، چرا که شما عرف بین المللی را شکستن و دعواهای دیپلماتیک و ظاهری را نه و فحش دادن و کروتان گرفتن دیپلماتها و... برای خواستید مبارزه علیه امپریالیسم مبارزید و برای تکمیل نمایش لازم بود تا در این عرصه نمایشات دیپلماتیک شرکت نکنید.

شما آن بار در شورای امنیت شرکت نکردید برای اینکه اول نمایش بود. در حالیکه الان شما دارید مقدمات پایان نمایش را فراهم می آورید و چنین است که شرکت در شورای امنیت، این بار نه معنای سازش با لیبرالیسم، بلکه موقعیتی بزرگ برای "اسلام" و "مکتب" حاصل شده میشود.

دوم مبارزه "ضد امپریالیستی رژیم با دکنکی که دارد می ترکد!"

آقای رجائی در سخنرانی در شورای امنیت به مسئله حالسی اشاره میکند، او در مورد عراق میگوید:

"در حالی که شمارهای سنده صهیونیستی سر میدهد، هرگز قدمی عملی علیه منافس صهیونیسم و نیز آزادی فلسطین برداشته و بر سرخواهد داشت... اگر موضع ضد امریکائی بعث عراق از حد حرف تجاوز نمی کنند، چرا... آیا این چیزی جز یک ما مورست آمریکا با نظر هژده آمریکا نیست؟ مردم جهان بخوشی چنین شیوه‌هایی را میسازند، در همین سالهای اخیر بود که رژیم بعث نشانده انگلیسی "یان اسمت" را در زمبابوا هژده بودید که چگونه به اربابانش ناسزا گفته و حتی به ظاهر وی با غی میشود." (اطلاعات ۲۶ مهر)

پس آقای رجائی معتقد است که عراق در حرف ادعای ضد امپریالیستی داشته... امپریالیسم دشمنان ما را ده و حتی با آن قطع رابطه کرده، در تبلیغات خود بوق و کرنای جنگیدن با صهیونیسم و امپریالیسم داشته در حالیکه عملاً چنین نبوده است. خوب آقای رجائی خودتان چه کرده اید؟ مبارزه ضد امپریالیستی خودتان

بقیه در صفحه ۲۲

خون زحمتکشانشان و کودکان وثیقه جنگ سرمایه داران

حمله موشکی دیروز به دزفول و سماران هفته گذشته کرمانشا که از سوی رژیم صحتا بکتاریت صورت گرفت، منجر به شهادت مدها مرد و زن زحمتکش و دانش آموز خردسال گردید. شهادت این عده و بسیاری دیگر از زحمتکشان ایران و عراق در این جنگ، بار دیگر نشان داد که این زحمتکشان دو کشورند که گوشت دم توب و قربانی این جنگ ارتجاعی هستند!

"شهادت"

"گوشت دم توب کردن توده ها" "دکان پر درآمد جمهوری اسلامی"

راستی خون چند هزار نفر از زحمتکشان جمهوری اسلامی میچکد؟ کردستان، ترکمن صحرا، دناشکاه، اندیشک، دورود، ماهشهر، تلی و... همه و همه خاطر فرزندان دلاور بخون شیده شان را غموار به دوا هنداخت، اما اشتباه است اگر فکر کنیم رژیم تنها قاتل این زحمتکشان بوده است با سداران و سربازانی که توسط ارکانهای فذخلقی ارتش و سپاه با سداران برای سرکوب توده ها در کردستان و ترکمن صحرا کشته شده اند، نیز در حقیقت قربانیان منافع رژیم جمهوری اسلامی بوده اند. رژیم برای حفظ و حراست از سرمایه داری وابسته و ادا به غارت و استثمار زحمتکشان به سرکوب انقلابیون و زحمتکشانشان میپرداخته بود. الاوران قربانیان کردنیز چارهای ندارند مگر برای از بین بردن ستم طبقاتی و ارکانهای سرکوب سرمایه داری وابسته به مقابله برخیزند، به صورت این رژیم جمهوری اسلامی است که مخاطب منافع سرمایه داران داخلی و امپریالیست است نه تنها توده ها را سرکوب کرده، بلکه با سداران و سربازان نا آگاه را نیز به گوشت دم توب منافع خود تبدیل کرده است رژیم برای واداشتن با سداران و ارتشبان به جنگ با توده ها، همواره از احساسات پاک مذهبی آنها استفاده کرده و با وعده بهشت و شهادت آنها را با ملاح به "جنگ با کفار" فرستاده است. این گوشت دم توب کردن با سداران، نظامیان و مردم شوم زده نسبت به ما هیت رژیم که پیش از جنگ ایران و عراق نیز وجود داشت، اکنون ایستاد بسیار وسیعتری بخود گرفته است.

بقیه در صفحه ۲۳

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست